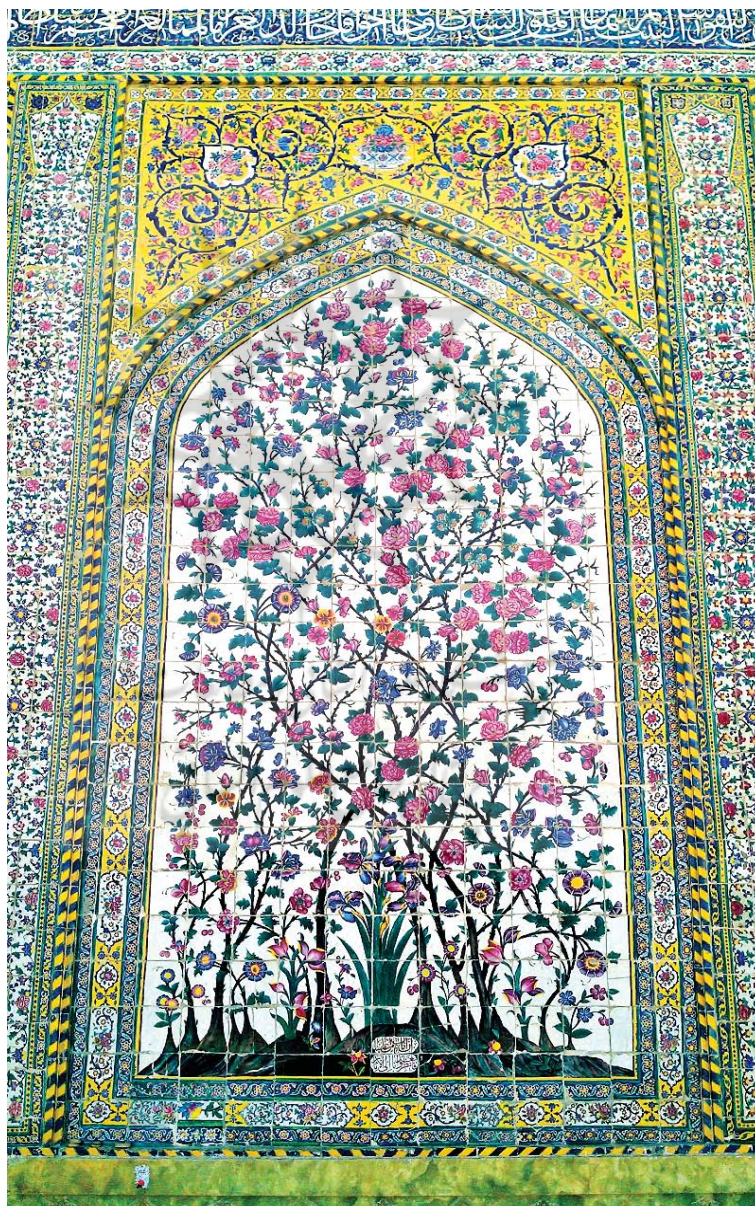


طرح محرابی کنگره‌دار؛ شناسه‌ای
هویتی در شکل یابی هنر عصر
زندیه / ۱۰۹-۸۹ / سمانه کاکاوند



کاشی‌کاری مسجد وکیل، شیراز،
زندیه، مأخذ: <https://www.destinationiran.com/fa/>
(Access Date: 2023/08/13)



طرح محرابی کنگره‌دار؛ شناسه‌ای هویتی در شکل‌یابی هنر عصر زندگی

سمانه کاکاوند *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۵

صفحه ۸۹ تا ۱۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هر یک از پادشاهان در ادوار حکومتی خود کوشیده‌اند فرهنگ تصویری را متأثر از مبانی فکری و عقیدتی خود شکل دهند. در برخی دوره‌ها، تغییرات واضح و مستقیم اتفاق افتاده و در برخی دیگر، ضمنی و تدریجی بوده‌اند. عصر زندگی نیز دارای مشخصه‌های هنری خاصی است؛ یکی از این ویژگی‌ها، نوع خاصی از طرح محرابی است. این طرح، برگرفته از طرح محراب و نقش بسته بر آثار هنری، به‌عنوان شناسه‌ای در تولیدات دستی بدون تاریخ عصر زندگی به شمار می‌رود. منظور از این طرح، محرابی با کنگره‌های تزئینی است که در دوره زندگی به‌عنوان قابی نوآورانه ظهور یافت. این طرح ترکیبی منحصربه‌فرد دارد و در بخش تاج، از دو قوس هلالی و تیزه‌دار الهام گرفته است. اگرچه طرح‌های ملهم از طاق و طاق‌نما در هنر اسلامی به‌وفور دیده می‌شود؛ اما نگرش پژوهش حاضر بر این نظر است که طرح «محرابی» موردنظر در این مقاله، ویژگی‌های دیداری هنر زندگی را متمایز می‌کند. به بیانی دیگر، این گمان وجود دارد که طرح «محرابی» به‌مثابه یکی از شناسه‌های دیداری - هویتی هنر زندگی به شمار می‌آید. هدف نوشتار پیش‌رو، نخست معرفی، طبقه‌بندی و مطالعه شکل «محرابی» در آثار هنری دوره زندگی به‌منظور تعریف یکی از عناصر بصری و نشانه‌های فرهنگ تصویری این دوره بوده و دوم، تبیین جایگاه این طرح به‌منزله شناسه هویتی در شکل‌یابی هنر زندگی است. **سؤال‌های** این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. کار ویژه «قاب زندگی» به‌مانند شناسه هویتی در آثار نیمه دوم سده دوازدهم و نیمه نخست سده سیزدهم هجری چگونه قابل تبیین است؟ ۲. بیان نشان هویتی «طرح زندگی» از ورای نوآوری در طرح محرابی به چه نحو، تأویل می‌شود؟ **روش تحقیق**، توصیفی - تحلیلی و از نظر ماهیت کیفی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. **نتایج** پژوهش نشان می‌دهد که کاشی‌کاری بناها، سنگ‌قبور، تزیینات خانه، قالی و قطعه‌ای پارچه مزین به طرح قاب زندگی بوده و این طرح، شناسه‌ای دیداری و هویتی از عصر زندگی به شمار می‌رود. نشان مورد مطالعه در این مقاله به‌منزله برگی از شناسنامه در شکل‌گیری هنر زندگی ایفای نقش می‌کند.

واژگان کلیدی:

طرح محرابی، شناسه هویتی، شیراز، عصر زندگی، هنرهای تصویری.

مقدمه

شیوه جمع‌آوری اطلاعات ضمن مطالعات کتابخانه‌ای، کدو کاو اسنادی و مشاهدات دیداری و تصویربرداری در فضای مجازی و حضور میدانی در دو قالب برگه‌ها و تصاویر گرد آمد. بر این اساس، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و نوزده نمونه از آثار هنری تصویری دوره زندیه در انواع گوناگون مانند کاشی‌های مسجد وکیل، کلاه‌فرنگی، عمارت هفت‌تتان و اشیاء و آثاری مانند قالی، سنگ قبور، در چوبی واقع در موزه شهر قزوین و قطعه پارچه‌ای با قاب «محرابی»، مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفتند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق، کیفی است.

پیشینه تحقیق

اگر به‌منظور پیشینه‌یابی از منابع مکتوب و دست‌اول تاریخ زندیه به‌عنوان کتاب‌های مرجع صرف‌نظر شود، به‌راستی فقدان کتاب‌ها، مقالات و سایر نوشتارها پیرامون تزئینات، نقوش و نشان‌های هویتی مشهود است. علیرضا شیخی و مینا دهقان منشادی در شماره ۳۰ نشریه پیکره مقاله‌ای با عنوان «آرایه‌های تزئینی معماری خانه‌های «محتشم» و «صالحی» شیراز؛ یادگارهایی از دوران زند و قاجار» (۱۴۰۱) به زیور طبع آراسته‌اند؛ اما نویسندگان از میان بناهای زندیه تنها تزئینات خانه محتشم را از نظر گذرانده‌اند. حسین زمرشیدی در شماره دوم نشریه مطالعات معماری ایران با عنوان «سیر تحول کاشی‌کاری در آثار معماری دوره صفویه تا امروز» (۱۴۰۰) به کاشی‌کاری ایران از دوره صفویه تا امروز پرداخته است و بازه یادشده کاشی زندیه را هم در بردارد. نویسنده به فنون، نقوش و رنگ‌های زندیه در کاشی هفت‌رنگ پرداخته و برخی از ابداعات هنرمندان زندیه را در زمینه اشاره‌شده ذکر کرده است. هانا جهان‌بخش و هانیه شیخی نارانی در شماره ۱۶ نشریه تاریخ نو مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی پیرامون گل و مرغ و کاربرد آن در هنرهای سنتی ایران دوران زندیه و قاجاریه» (۱۳۹۵) نوشته‌اند که پیرامون نقش گل و مرغ و کاربرد آن در هنرهای سنتی ادوار زندیه و قاجاریه مطالعه داشته‌اند؛ اما تنها شباهت میان نوشتار یادشده با پژوهش حاضر ذکر نوآوری‌های هنرمندان دوره زندیه باوجود کوتاهی مدت حکومت زندیان است. فرشته میرشمسی، محمدصادق میرزا ابوالقاسمی و فتح‌الله زارع خلیلی در شماره نخست از دوره ۲۲ نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی در مقاله‌ای با عنوان «تنوع نقوش گیاهی در نقاشی دیواری عصر زندیه در شیراز» (۱۳۹۶) پژوهشی در زمینه نقوش گیاهی در نقاشی دیواری زندیه انجام داده‌اند که یافته‌های آن‌ها باوجود روایی، با مقاله حاضر هم‌سویی ندارد. طاهره نصر در کتاب «جستاری در شهرسازی و معماری زندیه» (۱۳۸۷) منتشرشده توسط انتشارات نوید شیراز به معرفی ابنیه زندیه پرداخته و تزئینات و آرایه‌ها به‌طور مشخص

یکی از اجزاء هویت‌بخش فرهنگ تصویری زندیه، نوعی طرح «محرابی» است. هنر عصر زند، مانند سایر ادوار تاریخ هنر ایرانی اسلامی، سرشار از طرح‌های نوآورانه است که از آن میان، تکرار نوعی قاب شبیه به انواع محرابی، تأمل‌برانگیز است. اهداف این پژوهش معرفی این قاب به‌مثابه شناسه‌ای هویتی و بررسی میزان فراوانی و چگونگی تجلی آن در میراث زندیه است. طرح محرابی کنگره‌دار که به فراوانی در هنر عصر زندیه دیده می‌شود، ترکیبی از دو قوس هلالی و تیزه‌دار است که قسمت فوقانی، به‌ویژه تاج قوس را در قالبی جدید به منصفه ظهور رسانده است. این طرح، قالبی نوآورانه در عصر زندیه بوده و شکل ترکیبی‌اش در قسمت تاج، ملهم از دو قوس هلالی و تیزه‌دار است. هدف نوشتار حاضر، نخست معرفی، طبقه‌بندی و مطالعه شکل «محرابی» در آثار هنر زندیه به‌منظور تعریف یکی از عناصر بصری و نشانه‌های فرهنگ تصویری آن دوره است. دوم، قلمداد کردن طرح «محرابی» به‌منزله شناسه هویتی در شکل‌گیری هنر زندیه است. مقاله حاضر صرفاً بر این سوالها تمرکز دارد: ۱. کار ویژه «قاب زندیه» به‌مانند شناسه‌ای هویتی در آثار نیمه دوم سده دوازدهم و نیمه نخست سده سیزدهم هجری چگونه قابل تبیین است؟ ۲. بیان نشان هویتی «طرح زندیه» از ورای نوآوری در طرح محرابی به چه نحو، تأویل می‌شود؟

ضرورت و اهمیت تحقیق در این است که شناسایی طرح محرابی کنگره‌دار، به‌عنوان ممیزه‌ای در سبک‌شناسی هنر زندیه، اهمیت دارد. برای نیل به هدف، نمونه‌هایی از هنرهای تصویری عصر زندیه مانند کاشی‌کاری ابنیه، سنگ قبور، بافته‌های داری و دستگاہی اعم از قالی و پارچه، نگاره‌ها و آثار چوبی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت. قاب «محرابی» به‌منزله نشان و علامتی از مبانی فکری نیمه دوم سده دوازدهم بر پیکر آثار هنری زندیه بوده و شناسه‌ای دیداری به شمار می‌آید. به بیان دیگر، طرح «محرابی» شاخصه‌هایی منحصر به فرد دارد که شناسه‌ای تصویری در فرهنگ بصری عصر زند محسوب می‌شود و در کنار مؤلفه‌های دیداری دیگر، شاخصه‌ها و مختصات هنری آن دوره را می‌سازد. کشف چنین نشان‌های خاصی، ضرورت تحقیق را تبیین می‌کند، زیرا مذاقه در قاب مورد مطالعه موجب انتساب آثار بدون شناسنامه به عصر زندیه یا سال‌های نخستین حکومت قاجاریان خواهد شد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات پایه‌ای و نظری قرار می‌گیرد؛ زیرا در پی کشف پدیده‌ای دیداری به نام طرح «محرابی زندیه» است و می‌کوشد ویژگی‌ها و مختصات طرح یادشده را تبیین کند. از نظر ماهیت و روش، این مطالعه در بستری تاریخی نشانی از عصر زندیه را با



تصویر ۱. ب: کاشی‌کاری مسجد وکیل شیراز، زندیه، مأخذ:
<https://itto.org/iran/itemgallery/pars-museum-shiraz-baghenazar-kolah-farangi/> (Access Date:



تصویر ۲. نقاشی در طاق‌نمای تیزه‌دار، شاه‌نشین کلاه‌فرنگی (موزه پارس) شیراز، زندیه، مأخذ:
<https://itto.org/iran/itemgallery/pars-museum-shiraz-baghenazar-kolah-farangi/> (Access Date: 2023/08/13)



تصویر ۳. قاب نقاشی به شکل قوس تیزه‌دار، نگاره شکایت پیرزن نزد سلطان سنجر، محفوظ در موزه بروکلین، زندیه، مأخذ:
<https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/157595/> Access Date: 2023/08/13



تصویر ۴. الف: کاشی‌کاری مسجد وکیل، شیراز، زندیه، مأخذ:
<https://www.destinationiran.com/fa/> Access Date: 2023/08/13

حجره. غرفه. (اقرب الموارد). خانه. (غیاث). - صدر مجلس. (ناظم الاطباء). پیشگاه. مقابل پایگاه. پیشگاه خانه. (از اقرب الموارد). صدر اطاق. پیشگاه مجلس و شریف‌ترین موضع آن و فی الحدیث انه كان يكره المحارب؛ ای انه لم يحب ان يجلس فی صدرالمجلس و يرفع علی الناس. (از اقرب الموارد) (از منتهی الارب). - جای نشست پادشاهان که از مردمان دور و ممتاز باشند. (از اقرب الموارد) (از منتهی الارب). مقصوره. شاه‌نشین. شریف‌ترین جای نشیمن. (آندراج) (منتهی الارب). شریف‌ترین جایگاه ملوک. (از اقرب الموارد). ج. محارب. - استاد نگاه امام در مسجد. (منتهی الارب) (از اقرب الموارد). جای امام در مسجد.

موردتوجه نبوده است؛ بنابراین نوشتار پیش‌رو موضوعی را مورد مطالعه قرار داده که نو و تازه بوده و بالاینکه به عنصری تزئینی پرداخته است؛ اما بر کار ویژه خاصی از «طرح محرابی» به‌مانند شناسه هویتی عصر زندیه تأکید دارد.

استمرار قوس تیزه‌دار در دوره زندیه

مطالعه محراب پیشینه‌ای دارد؛ که چه از نظر واژگانی و چه کاربرد آن در اقسام هنرهای ایرانی موردتوجه بوده است. ذیل واژه محراب در لغت‌نامه دهخدا چنین آمده است: «[م] (ع ا) برواره. (منتهی الارب). بالاخانه و حجره بالای



تصویر ۵. بازسازی جانبایی تابلوهای موجود در دیوان‌خانه، محفوظ در موزه بروکلین، مأخذ: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/archives/image/55267/> Access Date: 2023/08/13



تصویر ۴. تابلوی «آبتنی شیرین و نظاره خسرو»، قوس مازهای زندیه، محفوظ در موزه بروکلین، مأخذ: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/157598/> Access Date: 2023/08/13

زندیه نوشته: «همچنین در این اتاق بیش از ۱۰ تابلوی نقاشی از آدم وجود داشت... بیشتر این تصویرها لباس ایرانی به تن داشتند. یکی از تابلوها، تصویر زنی بود که تقریباً تا کمر برهنه بود و تابلویی دیگر زنی را نشان می‌داد که تقریباً لخت و در حال حمام کردن بود» (نیبور، ۱۳۹۰: ۴۵). نوشته نیبور به تابلوی «آبتنی شیرین و نظاره خسرو» (تصویر ۴) اشاره دارد. در موزه بروکلین اثری دال بر جانبایی تابلوها بر دیوار دیوان‌خانه^۲ وجود دارد (تصویر ۵).

بنابراین هنر عصر زندیه نیز همچون ادوار پیشین، مشحون از اشکال گوناگون برگرفته از «محراب» است؛ اما نمونه‌های ذکرشده، مسئله پژوهش حاضر نبوده و با طرح «محرابی» مورد مطالعه در این مقاله تفاوت دارد.

طرح محرابی؛ شناسه‌ای هویتی از هنر دوره زندیه

قوس و طاق در هنر ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد و در هر دوره، متناسب با مبانی فکری زمانه، دگرگونی‌هایی یافته است. در عصر زندیه، نوعی قوس دیده می‌شود که شاخصه‌ای متمایز در هنر این دوره است. شناخت و تحلیل طرح «زندیه» مورد مطالعه برای طبقه‌بندی آثار هنری حائز اهمیت است. به‌طور مثال در موزه‌های ایران و جهان آثاری نگهداری می‌شود که زمان دقیق ساخت اثر تخمین زده‌شده و گاهی این نوع حدس و گمان تا یک سده با تاریخ دقیق ساخت، فاصله دارد. این در حالی است که شناخت

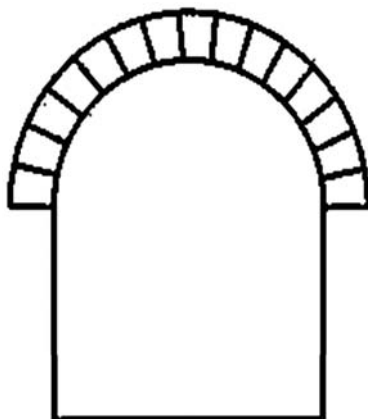
(ترجمان علامه جرجانی). جای امام در مزکت. (مذهب الاسماء). شریف‌ترین جای در مسجد. (دهار). طاق درون مسجد که به‌طرف قبله باشد چون طاق مذکور آلت حرب شیطان است لهذا محراب نام کردند. (غیاث). قبله. جایگاه امام در مسجد. (از اقرب الموارد)^۱.

در نیمه دوم سده دوازدهم هجری نیز مانند ادوار پیشین، به‌ویژه معماری صفویه قوس تیزه‌دار مورد توجه معماران و هنرمندان بوده است. قوس تیز متوسط از انواع قوس در معماری ایرانی اسلامی است و به دلیل قرارگیری میان دو نوع قوس به آن متوسط می‌گویند: «ارتفاع این قوس متوسط است و میانگین قوس شاخ بزی و قوس تیز است. این وضعیت باعث شده است این قوس هم باربر باشد و هم به‌عنوان قوس تزیینی مورد استفاده قرار گیرد... این قوس به نام شاه‌عباسی مشهور است» (زمرشیدی، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

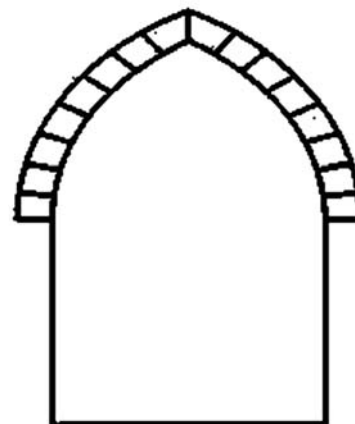
وجود انواع گوناگون قوس در بناهای عصر زندیه و همین‌طور طاقچه‌ها و قاب‌هایی به شکل محرابی و تیزه‌دار بسیار تکرار شده است. کاشی‌کاری طاق‌نماهای محرابی (تصویر ۱ الف و ب) حتی استمرار سنت تعبیه بوم‌هایی با طاقچه‌هایی با طرح قاب تیزه‌دار در محل‌های مشخص در شاه‌نشین ابنیه‌ای چون کلاه‌فرنگی (موزه پارس) قابل توجه است (تصویر ۲) و طراحی قاب به شکل محراب در نقاشی‌ها (تصویر ۳) از دیگر مصادیق تکرار شونده‌ی طرح «محرابی» در هنر عصر زندیه به شمار می‌رود. در این باره نیبور در تنظیم گزارش سفرش به شیراز عصر

1. <https://dekhkoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/> (Access Date: 2023/08/12)

2. اگرچه کاخ حکومتی زندیه کلاه‌فرنگی (موزه پارس) بوده است؛ اما پرویز رجبی ذیل مترجم سفرنامه نیبور، ذیل گزارش وی در پاورقی می‌نویسد: «ظاهراً این کاخ همان دیوانخانه است. دیوانخانه یکی از زیباترین آثار کریم‌خان زند است» (نیبور، ۱۳۹۰: ۴۳).



تصویر ۶. ب: قوس مازهای (مازه‌دار)، مأخذ: <https://www.engz.ir/Product/9471/> Access Date: 2023/08/15



تصویر ۶. الف: قوس تیزه‌دار مأخذ: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/archives/image/55267/> Access Date: 2023/08/13

موجود در تصویر ۷ است. قوس سمت چپ تصویر ۷ از انواع قوس کمائی تیزه‌دار^۱ است که در معماری کشورهای بسیاری از جمله ایران کاربرد دارد. کمان‌های قوس برگرفته از گلبرگ گل‌ها است. دومین قوس^۲، از دو بخش که هر بند آن خطی منحنی است، تشکیل شده و در قسمت تاج به سمت داخل میل دارد و مقعر می‌شود (تصویر ۷ قوس میانی). قاب بدیع و ترکیبی زندیه در قسمت فوقانی از ترکیب دو قوس مورد اشاره، شکل گرفته است. طرح «محرابی» موجود در هنر زندیه را می‌توان در جهت عرضی به چهار بخش تقسیم کرد (تصویر ۸).

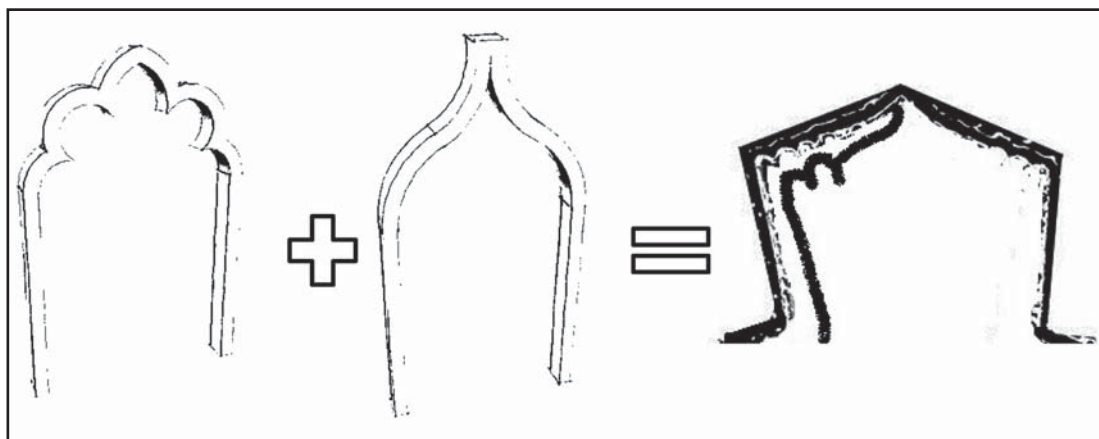
قوس تیزه‌داری متشکل از دو خط منحنی در قسمت فوقانی طاق‌نما دیده می‌شود که خطوط در جهت مخالف انحنا دارند؛ نوعی انحنا که قسمت بالایی مقعر و منحنی پایینی محدب است. دو کمان در نقطه‌ای به هم می‌رسند و نوعی قوس تیزه‌دار را می‌سازند. قوس تیزه‌دار در بخش زیرین به پره‌های هلالی یا دالبری متصل شده است. آخرین پره به خطی مورب متصل شده و خط به سمت داخل میل کرده و شانه قوس را شکل داده است. پیش از پیوند شانه به پاکار^۳، یک پره دالبری یا هلالی دیگر طراحی و سپس از پاکار تا قاعده قوس یا طاق‌نما، یک خط مایل ترسیم شده است. طرح کلی تمامی طرح‌های طاق‌نمایی یا قوسی مورد مطالعه در این مطالعه و موجود در آثار هنری زندیه این‌گونه است. برای آزمون فرضیه پژوهش و اطمینان از اصالت آثار، ابتدا شکل (تصویر ۸) در آثاری که هویت زندی آن‌ها

نشانه‌های هویتی در هر دوره‌ای در قالب نقش، طرح، فن و هر بُعد دیگری سبب خواهد شد تردیدهای شناسنامه‌ای آثار به یقین تبدیل شود. فریه نوشته: «در پادشاهی سی‌ساله کریم‌خان مردم روی امنیت و آبادانی دیدند. کریم‌خان تمام توجه و نیروی خود را منعطف به تأمین رفاه مردمان و اجرای برنامه‌های جاه‌طلبانه معماری ساخت» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۹۰). با این توصیف، به نظر می‌رسد معماری زندیه به دلیل تعلق به میراث نامنقول، نقطه اتکا به حساب می‌آید تا از خلال مطالعه ابعاد گوناگون آن، بخشی از فرهنگ تصویری نیمه دوم سده دوازدهم هجری مطالعه شود. طرح «محرابی» از شکل‌های پررونق در عصر زندیه است. اگرچه تداوم سنت هنری ادوار پیشین در این دوره مشهود است؛ اما نوآوری‌هایی نیز در بخش‌های مختلف مانند تزیینات مشاهده می‌شود. دیولافوا به این موضوع اشاره کرده است: «باری بالینکه ابنیه مذهبی شیراز از روی نقشه ابنیه اصفهان ساخته شده است از حیث تزیینات وضع جداگانه‌ای دارد» (دیولافوا، ۱۳۸۵: ۴۴۲). پیش از پرداختن به توصیف آثار دارای طرح «محرابی» در این پژوهش، لازم است بر پایه انواع قوس و طاق در معماری زندیه، تازگی شکل و نوآوری‌های هنرمندان این دوره در طراحی و ترسیم طرح «محرابی» بررسی شود: مطالعه انواع قوس‌های ایرانی نشان از آن داشت که به‌طور کلی قوس‌ها بر اساس شکل، به دو گونه تیزه‌دار و مازه‌دار (مازه‌ای) تقسیم می‌شوند (تصویر ۶ الف و ب).

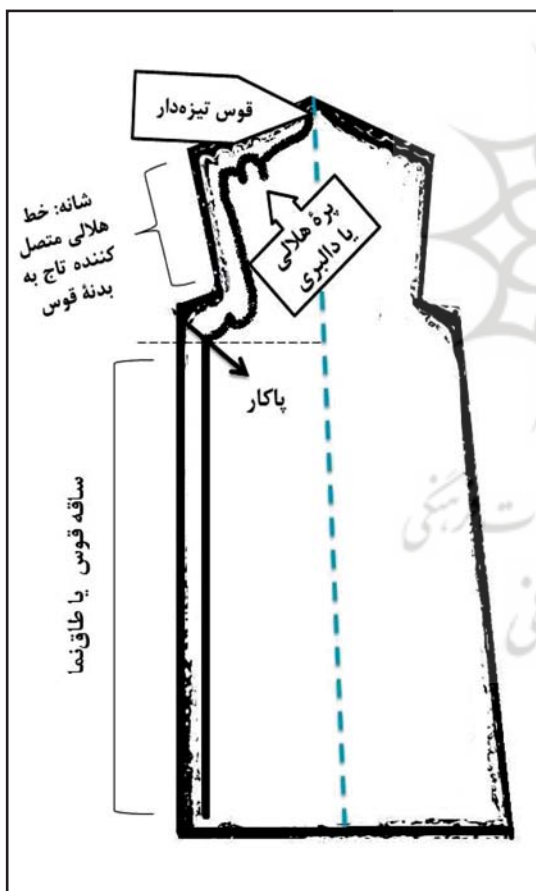
در بناهای عصر زندیه از دو نوع قوس اشاره شده، بیشتر نمونه تیزه‌دار مشاهده می‌شود؛ اما نوآوری هنرمندان مربوط به طرح «محرابی» است. در معماری ایران و جهان انواع گوناگون قوس و طاق وجود دارد؛ اما قاب نوآورانه عصر زندیه ترکیبی است که در قسمت تاج، ملهم از دو قوس

1. pointed cinquefoil arch
2. Ogee arch

۳. پاتاق / پاکار: محلی که پایه قوس، سقف و گنبد از روی آن آغاز می‌شود (عقابی، ۱۳۷۶: ۶۱۳).



تصویر ۷. ترکیب دو قاب هلالی و تیزه‌دار در ساختار قوس محرابی عصر زندیه، مأخذ: نگارنده



تصویر ۸. طرح «محرابی» از قاب‌های تکرارشونده در عصر زندیه، مأخذ: همان.

در متونی دیگر بانام‌هایی چون مسجد سلطانی، جامع وکیل و برخی مسجد جنازه^۲ یادکرده‌اند. از آنجاکه تنها مطالعه «قاب محرابی» منحصر به فرد عصر زندیه دغدغه نوشتار

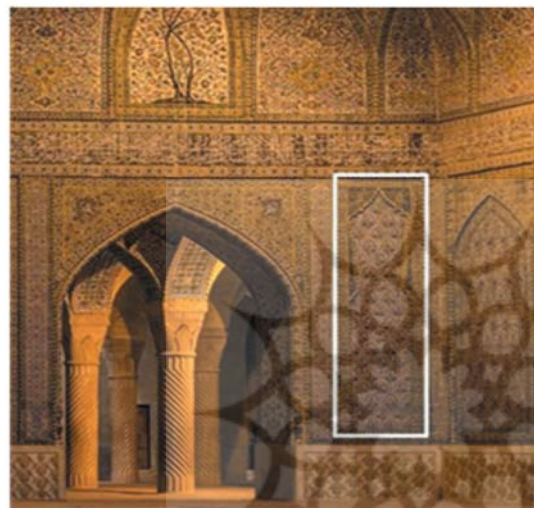
سنجه‌ای، مورد مطالعه قرار گرفت: «شماری چند از بناهای تزیین یافته به کاشی هفت رنگی از دوره او [کریم‌خان زند] سالم بر جای مانده‌اند. در عین حال کاشی‌کاری‌های منسوب به آن زمان را نباید بدون تردید و تأمل اصیل شمرد... در مقایسه دقیق معلوم گردیده که کاشی‌های زینت‌بخش در پشت بغل‌های کوشک هشت‌ضلعی همه اصیل‌ها هستند» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۹۰). بنابراین، با توجه به وجود طرح در بناهای اصیل زندیه مانند کلاه‌فرنگی، استحکام تحقیق دوچندان می‌شود.

باز یابی طرح «بدیع محرابی» بر پیکره آثار زندیه
از میان میراث برجای‌مانده از عصر زندیه و دارای نشان مورد مطالعه، هم نمونه‌های مادی نامنقول (معماری) و هم دست‌بافتهایی مانند قالی و دست‌ساخته‌هایی چون در چوبی و سنگ‌قبر و نگاره‌هایی از نگارگری دوره یادشده مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مسجد وکیل

مجموعه زندیه یا وکیل، شامل بناهای گوناگونی چون بازار، مدرسه، مسجد، ارگ و دیوان‌خانه بوده است. فرصت الدوله در این باره نوشته است: «(مسجد) وکیل که آن را مسجد شاهی نیز گویند در محله میدان شاه قریب به ارگ و عمارت حکومتی است. بانی آن پادشاه سعادت‌مند کریم‌خان زند است» (حسینی شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۴۳). مستوفی غفاری نیز در ذیل وقایع سال ۱۱۹۰ به ساخت مسجد وکیل (آدینه) اشاره کرده و توصیف با شکوهی از آغاز بنای آن ارائه می‌دهد: «در این سال^۱ فرخ‌فال خجسته مآل در محاذات یک رکن باغ خاصه شریفه، فی‌مابین عمارت حرم محترم و بازار جدیدالبناى سلطانی، مهندسان هنرمند و معماران فکر پسنده در طالعی خجسته... اساس آن را طرح انداختند» (غفاری کاشانی: ۳۵۶). از مسجد وکیل

۱. البته منابع بسیاری سال ساخت مسجد را ۱۱۸۷ نوشته‌اند.
۲. پیش از ساخت مسجد در عصر کریم‌خان زند، در مکان کنونی مسجد، مسجدی بوده در کنار گورستان که مردگانی که شب هنگام فوت می‌شدند، شبانگاه در مسجد جنازه می‌گذاشتند تا صبح تدفین صورت گیرد. ظاهراً وجه تسمیه آن به این علت بوده است. البته در فارسنامه ناصری به مسجد جناوه، جمازه و جنباز یادشده است و به نظر می‌رسد این موارد صحیح‌تر هستند، به نسبت «جنازه» که بعید است نام مسجد چنین بوده باشد.



تصویر ۹. الف و ب: طرح محرابی زندیه، ایوان جنوبی مسجد وکیل شیراز، مأخذ:

<https://www.hipersia.com/en/post/662/AccessDate:2023/08/09>

هفت تنان؛ آن را نیز پادشاه ارجمند کریم خان زند بنانهاده فاصله میان این تکیه و چهل تنان به مقدار دو یست قدم متوسط و آن بنای باشکوه در دامنه کوه واقع شده و آن کوه را چهل مقام نامند» (حسینی شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۷۶). ویلیام فرانکلین در سفرنامه اش به وجه تسمیه هفت تنان اشاره دارد: «اندکی دورتر از قبر حافظ به سمت شمال عمارت زیبایی قرار دارد که آن را هفت تن می نامند؛ زیرا در آن هفت درویش، یعنی هفت مرد مذهبی، به خاک سپرده شده اند» (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۲۹). علاوه بر آن عمارت هفت تنان از نظر معماری و نیز به دلیل تزیینات و نقاشی هایش شهرت دارد. از جمله طرح های تکرار شونده در تالار ستون دار عمارت هفت تنان، «قاب محرابی» است. ایوان بنا دارای هشت «قاب محرابی زندی» متشکل از چهار قاب شبیه تصویر ۱۲ الف (سمت راست) و چهار قاب مانند تصویر ۱۲ ب (سمت چپ) است.

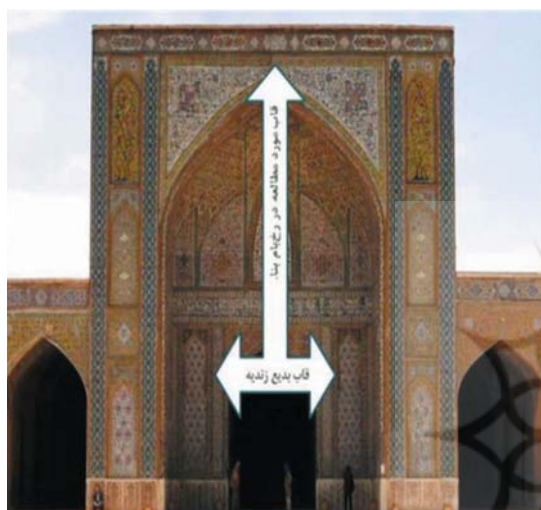
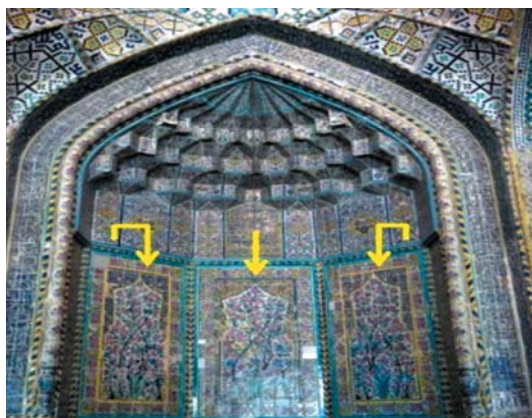
کلاه فرنگی (موزه پارس)

از دیگر بناهای شاخص عصر زندیه کلاه فرنگی است؛ به

حاضر است در میان تحقیقات صورت گرفته جستجو شد و پژوهشگران پیشین در ارتباط با مسئله این مقاله، فقط به کاشی های شاخص مسجد، تنوع رنگ و نقوش گل و مرغ بنا پرداخته اند: «یکی از بناهای محکم زیبا و صنعتی کریم خان زند مسجد وکیل (مسجد سلطانی) است که برحسب معمول شاهان گذشته در نزدیکی ارگ سلطنتی ساخته شده... تمام نمای مسجد در چهار جهت و ایوان بزرگ شمالی و جنوبی و سردر ورودی با کاشی کاری های خوش نقش و نگار و خوش رنگ در حالی که هر دهنه ای طرح زیبا و جداگانه ای دارد، مزین گردیده و کاشی کاری مورد اشاره در حقیقت معرف سلیقه و تبحر و استادی کامل نقاشان و کاشی کاران شیرازی در قرن ۱۲ هجری (۱۸ میلادی) است، مضافاً به اینکه خود بنا و شبستان و ایوان معرف معماری و مهندسی با اسلوب و صحیحی است» (سامی، ۱۳۳۷: ۷۷). با این وصف فریه به نکته ای اشاره دارد که باهدف این پژوهش همسو است و آن اطلاق «کاشی زندی» به کاشی های مسجد است؛ اگرچه مقصود نویسنده توجه به عنصر بصری رنگ بوده؛ اما نمونه ها را متمایز دیده است: «مسجد چهل ستونی وکیل در شیراز (پایان یافته به سال ۱۷۷۴/۱۱۸۷) از شبستان های چهل ستونی جانبی در مسجد شاه اصفهان تقلید کرد ... و چیزی که بیشتر جلوه ابتکاری یافت خشت های کاشی با نقش زیر لعابی است که با طیف رنگی تازه ای متمایل به صورتی «کاشی زندی» شناخته شده و از کاشی های دیگر متمایز می ماند» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۰۷-۱۰۶). در این رابطه مؤلف «کریم خان زند و زمان او» نوشته: «دیوارهای صحن با کاشی کاری بسیار جالبی تزیین شده است که از نظر رنگ آمیزی و شکل کاملاً مشخص از دیگر دوره های گذشته است و نماینده یک نوع رنگ آمیزی و طراحی است که مخصوص دوره زندیه است» (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۳). این مقاله تنها کاشی های دارنده طرح «محرابی» زندیه را ملحوظ و مرعی داشته است (تصاویر ۹ الف و ب، ۱۰ الف و ب و ۱۱ الف و ب). شکل قاب ترکیبی زندیه در کاشی کاری مسجد وکیل، روی دیوار و رخ بام بنا فراوان مشاهده می شود. علاوه بر طراحی شکلی جدید، تکرار شونده گی آن نیز چشمگیر است. البته تکرار شونده گی قاب، هماهنگی را در فضای دیداری بنا به ارمغان آورده است؛ اما یکنواختی و تکرار به دو سبب ملال آور نیست، زیرا نخست این که قاب ها از نظر اندازه تنوع دارند و دوم اینکه فضای محاط شده توسط قاب نقوشی متفاوت از سایرین دارد.

هفت تنان

یکی از بناهای شاخص عصر کریم خان زند، عمارتی واقع در دامنه کوه تخت ضرابی یا کوه چهل مقام به نام هفت تنان است که مزار هفت عارف در تکیه، علت نام گذاری است و کریم خان روی هر قبر، سنگی بزرگ قرار داده است. «تکیه



تصویر ۱۱. الف. طرح «محرابی» زندیه، ورودی مسجد وکیل، شیراز، مأخذ:

https://www.hipersia.com/en/mi_ax/Original/1397/09/1578.jpg/ Access Date: 2023/08/09

تصویر ۱۱. ب. طرح «محرابی» زندیه، ایوان مسجد وکیل، شیراز، مأخذ:

https://en.wikipedia.org/wiki/Vakil_Mosque#/media/File:Entr%C3%A9e_masjed-e-vakil_shiraz.jpg/ Access Date: 2023/08/09

تصویر ۱۰. الف. طرح «محرابی» زندیه در دو طرف ورودی مسجد وکیل، مأخذ:

https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e9/Vakil_Mosque_shiraz_iran_06.jpg/ (Access Date: 2023/08/09)

تصویر ۱۰. ب. طرح «محرابی» زندیه، ایوان جنوبی و رخپام مسجد وکیل، مأخذ:

<https://www.yeganehtours.com/> (Access Date: ۲۱/۰۸/۲۰۲۳)

است. بالای هر در یک مجلس کاشی‌کاری شده است» (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۲). برخی منابع نیز به‌طور کلی به مضامین و نقوش کاشی‌ها پرداخته‌اند: «بیرون این عمارت [کلاه‌فرنگی] کاشی‌کاری‌های ظریف و زیبایی بارنگ‌های روشن دارد که قسمتی گل‌وبته و قسمتی هم منظره شکارگاه و مجالس بزم است. در طرفین هر درکی چهار مجلس گل‌وبته و بالای چهار گوشواره آن چهار مجلس شامل مجالس بزم و شکار و غیره بر روی کاشی نقش شده است» (بهریزی، ۱۳۵۴: ۱۴۸). کتابی دیگر نیز تنها به گل‌های نمایان بر کاشی‌ها اشاره کرده است: «نمای خارجی عمارت کلاه‌فرنگی که رو به روی ارگ کریم‌خانی و به فاصله نزدیکی از آن قرار دارد، با طاق‌نماها و کتیبه‌های

عبارتی الگویی مرجع در شناخت هنر و معماری زندیه به شمار می‌آید. «باغ نظر آن را باغ شهر و باغ حکومت نیز گویند. این باغ محل جلوس حکومت است. طرح آن را مرحوم وکیل ریخته و در وسطش یک کلاه‌فرنگی چهارفصل ساخته» (حسینی شیرازی، ۱۳۶۲: ۵۰۶). گروه نویسندگان تاریخ کمبریج کاربری کلاه‌فرنگی را به تلخیص این‌گونه آورده‌اند: «بنای فعلی موزه پارس در یک عمارت قرار دارد که به‌منظور انجام امور شخصی وی احداث شده بود» (اوری، هامبلی و ملویل، ۱۳۸۹: ۲۶۹-۲۶۸). کاشی‌کاری نمای بیرونی، خاصه «قاب محرابی» کلاه‌فرنگی را در میان نمونه‌های مطالعاتی مقاله حاضر آورده است: «نمای خارجی کلاه‌فرنگی با کاشی‌کاری بسیار زیبایی تزئین شده

مدرسه وکیل اشاره کرده‌اند: «از تمام ابنیه وکیل مدرسه از نقطه نظر تزئین جالب توجه‌تر است. این مدرسه در نزدیکی مسجد واقع شده و دیوارهای آن از کاشی‌های مربع مینایی مستور گردیده است. هر یک از این کاشی‌ها اگر از بنا برداشته شود به تنهایی یک تابلوی قشنگ جداگانه‌ای است و شایستگی آن را دارد که در پهلوی شاهکارهای نقاشی غربی جای بگیرد» (دیولافوا، ۱۳۶۲: ۴۴۲). این در حالی است که مدرسه وکیل طی چند مرحله تکمیل شده و تزئینات بنا مربوط به عصر فتحعلی شاه قاجار است. «مدرسه آقاباباخان در محله درب شاهزاده در جنب مسجد وکیل، یعنی در پشت یکی از شبستان‌های آن واقع شده و بنای آن از مرحوم کریم‌خان زند است که شالوده‌های آن را نهاده و به اتمامش موفق نشده پس مرحوم حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی شروع در اتمام آن کرد. باز توفیق نیافته از شیراز رفته آنگاه مرحوم آقا بابا خان بارفروشی مازندرانی فراش‌باشی مرحوم فرمانفرما حسینعلی میرزا در سال یک هزار و دویست و چهل و اند مدرسه را اتمام فرموده و جدران‌ش^۱ را به کاشی‌های الوان زینت کرده» (حسینی شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۹۴). در این باره نکاتی لازم به توضیح است: نخست آن‌که نگارنده در نوشتار حاضر «قاب محرابی» را از دو نظرگاه: الف. آثار زندیه و ب. استمرار سنت زندیه مطالعه کرده است. بخش نخست مطالعات در این بخش آمده؛ اما تنها به سبب پی‌ریزی و شالوده‌ریزی بنای مدرسه از یک‌سو و عدم آگاهی از پیشرفت کار در عصر زندیه از سویی دیگر، توضیحات مدرسه وکیل نیز در این بخش و در مجموعه آثار زندیه آمد. باری نکته دیگر آن‌که سنت تصویری فرهنگ زندیه تا دوره فتحعلی شاه (۱۲۴۹-۱۲۱۱ هـ.ق) استمرار داشته و

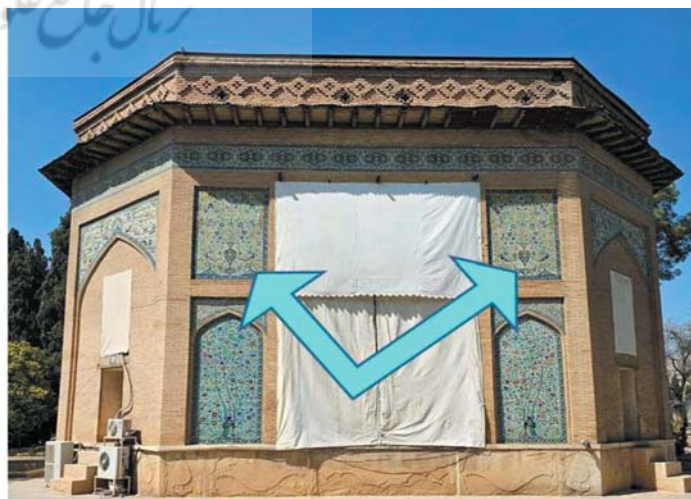


تصویر ۱۲. الف و ب: دو قاب محرابی زندیه، تکیه هفت‌تنان شیراز، مأخذ: نگارنده

کاشی تزئین یافته و در تمام جدارهای آن نقش گل‌های مختلف روی کاشی‌های زیبایی حکاکی گردیده است» (رجائی، ۱۳۸۶: ۲۸۳). در میان منابع مطالعه شده به «قاب زندیه» در کاشی‌های کلاه‌فرنگی (تصویر ۱۳ الف و ب)، اشاره نشده است.

مدرسه وکیل یا مدرسه آقا باباخان

مورخین و نگارندگان هنر زندیه در میان بناهای دوره کریم‌خان زند یا ساخته شده در عصر وکیل‌الرعیاء، به



تصویر ۱۳. الف و ب: قاب زندیه در نمای خارجی کلاه‌فرنگی (موزه پارس)، مأخذ:

<https://www.destinationiran.com/fa/> Access Date: 2023/08/13

۱. جمع جدر، دیوارها.



تصویر ۱۵. نگارۀ قاضی معزالدین محمد غفاری (حاکم کاشان، قم و نطنز در دوران زندیه)، اثر ابوالحسن مستوفی غفاری، ۱۱۹۶ هجری، محفوظ در موزۀ ملک، مأخذ: <http://malekmuseum.org/artifact/> Access Date: 2023/08/21



تصویر ۱۴. الف: «قاب محرابی» در نمای خارجی مدرسه آقاباباخان، زندیه- قاجاریه، مأخذ

<https://itto.org/iran/attraction/agma-baba-khan-vakil-school-shiraz/> Access Date: 2023/08/14

تصویر ۱۴. ب: «قاب محرابی» در پیشانی پنجرۀ مشبک مدرسه آقاباباخان، زندیه- قاجاریه، مأخذ

<https://en.irna.ir/photo/83772956> / Access Date: 2023/08/14

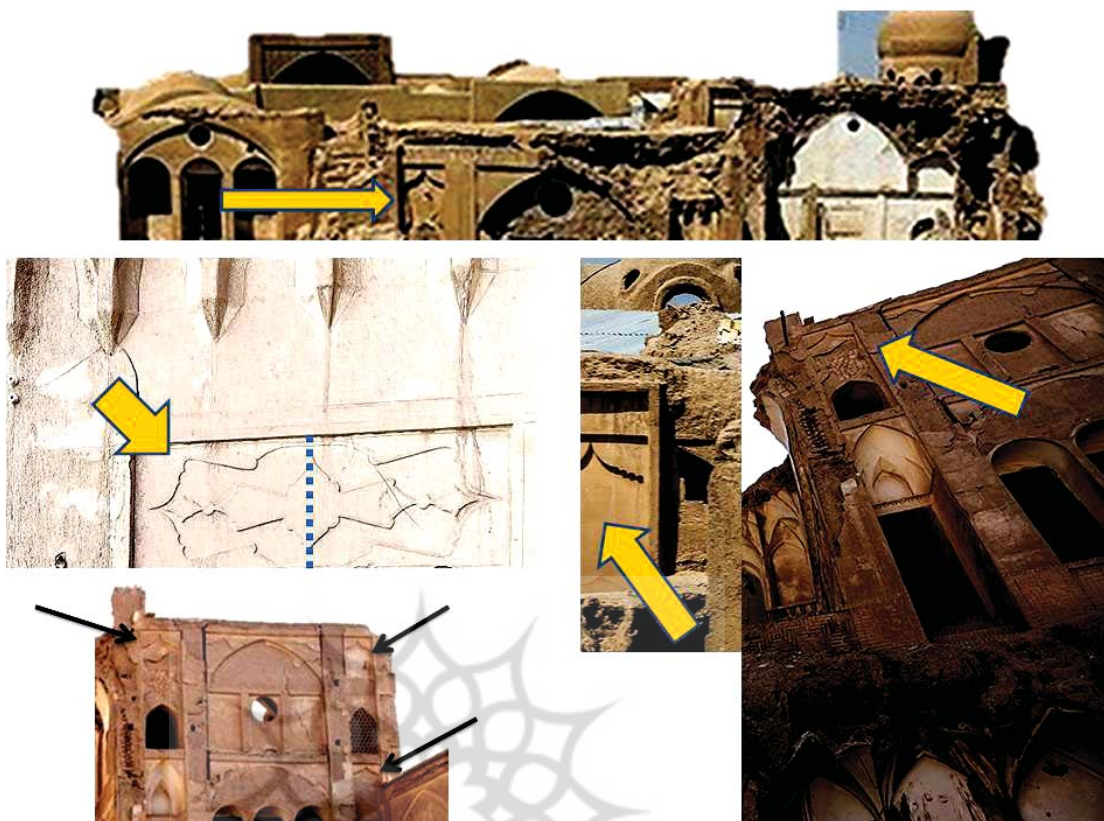
مقاله حاضر جای دارد. عبدالرزاق کاشی داماد معزالدین محمد غفاری (حاکم کاشان، قم و نطنز در دوران زندیه) بوده که پس از کناره‌گیری وی، حکومت کاشان را به حکم کریم‌خان زند، عهده‌دار شده است: «پس از کناره‌گیری میرزا معزالدین از حکومت کاشان عبدالرزاق خان داماد وی، جانشین او گردید» (نراقی، ۱۳۴۵: ۱۵۳). میرمعزالدین غفاری پدر ابوالحسن غفاری، نقاش و مورخ عصر زندیه، است. ابوالحسن ملقب به مستوفی، نگاره‌ای از پدر خود خلق کرده که در موزۀ ملک محفوظ است (تصویر ۱۵).

تاریخ کاشان و اشعار ماده‌تاریخ صباحی بیدگلی و هاتف اصفهانی گواهانی بر اقدامات عمرانی و سازندگی عبدالرزاق خان کاشی هستند: «این رادمرد دلیر [عبدالرزاق خان] در دورۀ طولانی حکمرانی خود آثار نیک و کارهای بزرگ انجام داده... عبدالرزاق خان به امر کریم‌خان

پس از آن نیز ضرب آهنگ تغییرات طرح و نقش عصر زندیه تا پیش از دورۀ ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ هـ ق) کند و تدریجی بوده و شناسه‌های دیداری زندیه همچنان قابل بازیابی است؛ از این رو طرح «محرابی» زندیه در مدرسه وکیل یا آقا بابا خان مورد مذاقه قرار گرفت. «قاب محرابی» عصر زندیه در تزیینات، کاشی‌کاری، مدرسه آقاباباخان به صورت‌های متنوع در دو قاب باریک و بلند و پهن و کوتاه و بر پیشانی پنجره مشبک و بر دیوارهای کناری طاق دیده می‌شود (تصویر ۱۴ الف و ب).

عمارت عبدالرزاق خان در کاشان

علاوه بر بناها و آثار وکیل در شیراز، عمارت عبدالرزاق خان کاشی، حاکم کاشان در عصر کریم‌خان زند، نیز به دلیل دارا بودن طرح «محرابی زندیه» در میان نمونه‌های مطالعاتی



تصویر ۱۶. الف تا هـ «قاب محرابی زندیه» در عمارت عبدالرزاق کاشانی، مأخذ: <https://kashanu.ac.ir/images/www/fa/news/editor/2018/1518680732-photo-jpg/> Access Date: 2023/08/18), <https://media.mehrnews.com/d/2020/05/16/3/3453583.jpg/> Access Date: 2023/08/18 & https://cdn.fararu.com/files/fa/news/1396/7/17/343096_784.jpg/ Access Date: 2023/08/18

جنان رضوان کند عزم رحیل/خانه‌ای چون خلد و در وی
پیر و برنا/جسته بار چشمه‌ای چون کوثر و بر مهتر و
کهر سبیل زد رقم کلک صباچی از پی تاریخ آن قصر
جنت بین هویدا و زلال سلسبیل^۲ (صباحی بیدگی، ۱۳۹۴:
۲۶۰-۲۵۹). خانه عبدالرزاق خان محور پژوهش محققان
نبوده و اقدامات مرمتی هم انجام نشده است، درحالی‌که
خانه مورد اشاره سندی مهم برای آرایه‌های خانه عصر
زندیه به شمار می‌آید. «قاب محرابی» در نمای بیرونی
بنا به چشم می‌خورد (تصویر ۱۶ الف، ب، ج، د و هـ). این
موضوع گمانه‌های پژوهش حاضر را به یقین بدل می‌سازد
که طرح مورد مطالعه، فراتر از اقلیم فارس و شهر شیراز
به مثابه نشان و شناسه دیداری هنر زندیه بر پیکره آثار
زندیه هویدا شده و کارکرد هویتی یافته است.

نگارگری

در نگاره‌های به جامانده از عصر زندیه، قوس کنگره‌دار،
کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. در اثری از ابوالحسن
مستوفی غفری (تصویر ۱۵) بخشی از قاب یادشده،

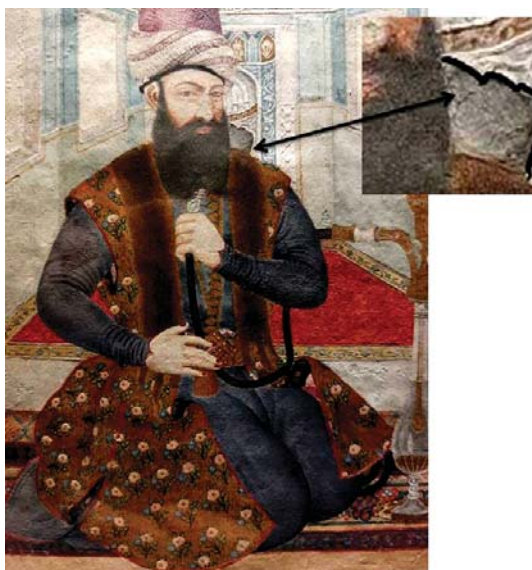
زند برای استحکام و تأمین وضع دفاعی کاشان دست‌به‌کار
کندن خندق معتبری برگرد باره^۳ شهر شد. واقعه مهم
دیگر ایام حکومت عبدالرزاق خان که در سال آخر سلطنت
کریم خان زند روی داده زلزله سخت و ویران‌کننده بود
که کلیه ابنیه و ساختمان‌های شهر کاشان را کوبید و در
هم فرو ریخت؛ اما همین‌که شهریار زند از اوضاع و احوال
وحشت‌بار کاشان آگاه گردید مأمورین مخصوص از
خواص خود برای تسلی خاطر بازماندگان آن حادثه
دردناک فرستاد و امر کرد بنا و عمله و کارگران فنی از
بلاد دیگر به کاشان رفته با سرپرستی عبدالرزاق خان به
تعمیر اماکن عمومی مانند حصار و باره شهر و بازارها
و مساجد و غیره پرداختند. آثار و ابنیه عبدالرزاق خان
چنانکه گفته شد این مرد دلیر و نیکوکار پس از حفر
خندق و تعمیر برج و باره شهر در حادثه زلزله نیز برای
ساختن و پرداختن اماکن عمومی کوشش فراوانی به
عمل آورد» (نراقی، ۱۳۴۵: ۱۵۷-۱۵۳). صباحی بیدگی
در ارتباط با عمارت عبدالرزاق خان چنین سروده است:
«خانه‌ای آراست کز شوق اقامت اندر آن/هر دم از باغ

۱. بارو.
۲. ماده تاریخ سال ساخت
عمارت عبدالرزاق خان کاشی برابر
است با ۱۱۹۷ هجری.

طرح محرابی کنگره‌دار؛ شناسه‌ای هویتی در شکل یابی هنر عصر زندیه / ۱۰۹-۸۹ / سمانه کاکاوند



تصویر ۱۸. قاضی احمد غفاری کاشانی بر روی قالبچه با طرح محراب کنگره‌دار مرسوم عصر زندیه، ابوالحسن مستوفی غفاری، مأخذ: <https://drouot.com/en/1/20006596-portrait-de-qazi-ahmad-ghaffar> Access Date: 2023/10/23



تصویر ۱۷. بخشی از قوس کنگره‌دار در نگاره میرمعزالدین، اثر ابوالحسن مستوفی غفاری، محفوظ در موزه ملک، مأخذ: نگارنده



تصویر ۲۰. سنگ قبر شاه شجاع، مأخذ: <https://amordadnews.com/wp-content/uploads/2020/06/shah-shoja.jpg/> Access Date: 2023/08/17



تصویر ۱۹. سنگ مزار حافظ، مأخذ: نگارنده

که از جنبه‌های مختلف قابل توجه است، سنگ‌مزارها هستند. سنگ‌مزارها به‌عنوان اسنادی معتبر، به دلیل نقوش و طرح‌های رایج منقوش بر آن‌ها، از اهمیت ویژه‌ای در مطالعات تاریخی و هنری برخوردارند. سنگ‌های قبور حافظ، شاه شجاع، شاه داعی الله و محمدرحیم‌خان زندیه دربردارنده «قاب محرابی» هستند.

قابل مشاهده است (تصویر ۱۷). همین‌طور در یکی دیگر از آثار هنرمند ذکرشده، ابوالحسن مستوفی غفاری، طرح محرابی کنگره‌دار پژوهش حاضر بر روی قالبچه سجاده‌ای نمایان است (تصویر ۱۸).

سنگ‌مزارها

از دیگر آثار دربردارنده طرح «قاب بدیع محرابی»



تصویر ۲۲. سنگ قبر محمد رحیم خان زند، مأخذ:
<https://www.entekhab.ir/fa/news/174012/> Access Date: 2023/08/14



تصویر ۲۱. سنگ مزار شاه داعی‌الی‌الله، مأخذ:
<http://Wikimapia.org/> Access Date: 2023/08/14

علاوه بر آن، سنگ بزرگ و مرمر عالی نیز بر روی مزار او گذاشت» (بهروزی، ۱۳۵۴: ۶۳). سامی به سال ۱۱۸۹ هجری برای ساخت آرامگاه حافظ اشاره کرده است: «ساختمان اساسی زمان کریم‌خان زند به سال ۱۱۸۹ هجری انجام گرفت، او عمارت زیبایی به سبک بناهای خود و تالاری که دارای چهارستون سنگی یکپارچه بلند بود برای آرامگاه ساخت و باغ بزرگی در جلو تالار احداث کرد. سنگ مرمر بزرگی که فعلاً موجود و دو غزل از شاه‌غزل‌های حافظ با خط عالی نستعلیق روی آن منقور شده، به روی قبر گذارد» (سامی، ۱۳۳۷: ۵۷). برخی نوشته‌ها به جنس مرمر سنگ نیز پرداخته‌اند: «قبر محمد شمس‌الدین حافظ زیر سایه این درخت‌ها قرار دارد. سنگ‌قبر از مرمر سفید یکپارچه تبریزی است که هشت‌پا طول و چهارپا عرض دارد. این

سنگ‌قبر حافظ
 مکتوباتی که به سنگ‌قبر حافظ پرداخته و آرامگاه را توصیف کرده‌اند، اطلاعات زیاد و همه جانبه‌ای مرقوم نکرده‌اند و جنس سنگ‌قبر، مساحت، محل ساخت، سال ساخت و اقدامات کریم‌خان مواردی تکرار شونده در نقل‌قول‌هاست: «در حدود سال ۱۱۸۰ و اند حضرت پادشاه زمان کریم‌خان زند، عماراتی ملوکانه در جوار قبر خواجه ساخته... و بر قبر و مزار خواجه (علیه‌الرحمه) سنگ مرمری به دو ذرع و چارکی درازا و سه چهار یک، پهنا، انداخته است» (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱۲۰۲-۱۲۰۱). بهروزی سال سنگ گذاردن بر تربت حافظ را به‌طور دقیق ۱۱۸۷ هجری می‌داند: «کریم‌خان زند در سال ۱۱۸۷ هجری قمری دور محوطه بزرگی که قبر حافظ در آن قرار داشت حصاری کشید و ...



تصویر ۲۳. الف: در چوبی نقاشی شده محفوظ در موزه شهر قزوین، عصر زندیه، مأخذ:
<https://www.visitiran.ir/fa/attraction/> Access Date: 2023/08/09



تصویر ۲۴. الف و ب. پارچه رشتی دوزی شده، مزین به طرح «قاب زندیه»، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، مأخذ:
<https://collections.vam.ac.uk/item/O152420/tent-panel-unknown/> Access Date: 2023/08/08

که از سوی کریم‌خان مورد توجه قرار گرفت، شاه داعی الی الله بود: «شاه داعی الله - متوفی ۸۷۰ هجری قمری - سرسلسله فرقه دراویش نعمت اللهی است که از محضر پیر خود شاه نعمت‌الله ولی کسب فیض می‌کرد. قبر شاه داعی که از عرفای معروف قرن نهم در شیراز است، با قبر فرزندش سیدکاظم در کنارش، در جنوب شرقی شیراز واقع است. به فرمان کریم‌خان سنگ‌قبر مرمر یکپارچه‌ای که به خطوط و نقش‌های گوناگون مزین شده بود بر روی این دو قبر کشیدند» (رجائی، ۱۳۸۷: ۲۹۷). مؤلف «آثار عجم» به‌طور مبسوط مختصات بارگاه را شرح داده است: «تکیه شاه داعی در سمت جنوب، مایل به مغرب شیراز واقع شده به مسافت شش‌صد قدم متوسط دور از دروازه معروف شاه داعی. سمت روبه‌قبله‌اش عماراتی است نیکو بنیان و در پیش آن‌ها سراسر ایوان یک‌طرف دیگر فضایی است محقر و تربتی پاکیزه و معطر حوضی دارد و اتاقی آب‌انباری و رواقی و این عمارت را مرحوم کریم‌خان زند ساخته داعی الی الله که از عرفای آفاق است مزار پر از انوارش در آن رواق و لوح قبرش (دو ذرع و نیم طول و نیم‌ذرع و یک کره عرض و هفت کره ارتفاع دارد) از یکپارچه سنگ سماق» (حسینی شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۸۵). در تأیید اقدامات عمرانی بر مزار شاه داعی الی الله، نویسنده «فارسنامه ناصری» نوشته است: «حضرت کریم‌خان زند طاب‌ثراه، عمارت و قبه‌ای بر قبر او بساخت» (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱۲۰۳). البته نه تنها قبر شاه داعی، بلکه مزار فرزندش نیز مورد التفات قرار گرفته است: «در ضلع جنوب شرقی گورستان معروف به «دارالسلام» آرامگاه قطب‌العارفین سالک راه حق و حقیقت «محمود ملقب به نظام‌الدین و مشهور به شاه داعی الی الله» قرار دارد... آرامگاه او به وسیله مرحوم کریم‌خان زند مرمت‌شده و چون سنگ‌قبر او و فرزندش (میرقاسم متوفی به سال ۹۲۰ هـ.ق) خردشده بود، دو سنگ بزرگ سماق مجلل سرخ‌رنگ که

سنگ را در زمان کریم‌خان ساخته‌اند و روی سنگ قبلی گذاشته شده است. در طرفین ورودی این سنگ اشعاری از خود شاعر به خط بسیار خوش نستعلیق حجاری شده است» (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۲۹). درنهایت نویسنده «کریم‌خان زند و زمان او» نوشته: «قبر حافظ از مرمر سفید بود که به فرمان کریم‌خان از تبریز آورده شده بود» (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۳۵). بنابراین هیچ‌یک از مکتوبات به مبانی نظری طرح و نقش سنگ‌قبر حافظ (تصویر ۱۹) در عصر زندیه توجه نداشته‌اند، چراکه تاریخ‌نگاران بیشتر بدان پرداخته‌اند و مورخان هنر نبوده‌اند.

سنگ مزار شاه شجاع

پیرامون سنگ‌قبر شاه شجاع (تصویر ۲۰) نیز اطلاعات به‌دست آمده همانند موارد سنگ‌قبر حافظ است: «مزار شاه شجاع پشت تکیه هفت‌تنان در سمت شمال آن است به مسافت ۱۵۰ قدم دور و قدیم آنجا بقعه بوده... آشاه شجاع از آل مظفر است. پدرش امیر مبارزالدین محمد بن مظفر کرمان و شیراز را فتح کرد و حکمران شد. وفات شاه شجاع در سنه هفتصد و هشتادوشش است. خواجه حافظ در تاریخش گفته حیف از شاه شجاع و کریم‌خان زند سنگی بر آن قبر انداخته» (حسینی شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۷۸-۴۷۷). برخی کتاب‌ها به تأثیرگذاری منشی کریم‌خان، میرزا محمد کرمانی، اشاره کرده‌اند: «قبر این پادشاه در اراضی کنار کوه تخت ضرابی (کوه چهل مقام) در جوار قبر شیخ قطب‌الدین محمود و یک‌صد متری شمال غربی تکیه هفت‌تنان است و سنگ بزرگ روی آن در زمان کریم‌خان زند به دست میرزا محمد کرمانی مؤلف خلاصه العلوم منشی کریم‌خان زند انداخته شد» (سامی، ۱۳۳۷: ۲۰۵). سایر منابع نیز اطلاعاتی هم‌پوشان درج کرده‌اند که ارتباطی با طرح و نقش سنگ ندارد: «در دامنه تخت ضرابی، درست در ریشه کوه و در مغرب تکیه هفت‌تنان، در محوطه بازی قبر بزرگ‌ترین پادشاه آل مظفر یعنی ابوالفوارس - شاه شجاع فرزند امیر مبارزالدین قرار دارد که مرحوم کریم‌خان زند پادشاه خوش‌قلب ایران سنگ بزرگی را بروی آن انداخته است و کتیبه زیر را بر روی آن نقر کرده است: هو الحی الذی... حیف از شاه شجاع این جمله که ماده تاریخ وفات شاه شجاع است و تجدید مزاره فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۱۹۱» (بهریزی، ۱۳۵۴: ۴۸-۴۷). البته تکرار اقدام کریم‌خان به قلم نویسنده‌گان گوناگون دلالت بر اهمیت موضوع دارد: «به فرمان کریم‌خان، سنگ‌قبر زیبایی هم برای مظفرالدین شاه شجاع که در سال ۷۸۶ هجری درگذشته است، تراشیدند» (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

سنگ مزار شاه داعی الی الله

آثار و میراث پاسداشت عرفا، بزرگان و ادیبان در عصر زندیه قابل‌مطالعه و تفحص است. مزار یکی دیگر از عارفانی



تصویر ۲۵. الف و ب: پارچه قلاب‌دوزی (رشتی‌دوزی) شده، اواخر زندیه یا ابتدای قاجار، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، مأخذ:

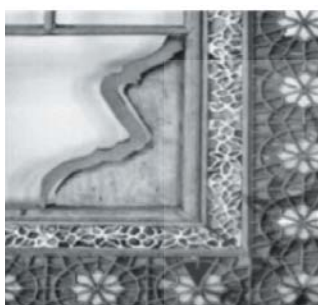
<https://collections.vam.ac.uk/item/O158613/hanging-unknown/> Access Date: 2023/08/08



تصویر ۲۷. طرح بدیع محرابی در سطح رویین میز چوبی، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت، مأخذ: <https://www.vam.ac.uk/articles/khatam-table/> Access Date: 2023/08/10



تصویر ۲۶. طرح بدیع محرابی در قالی خراسان، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت، مأخذ: <https://www.vam.ac.uk/articles/RUG/> Access Date: 2023/08/10



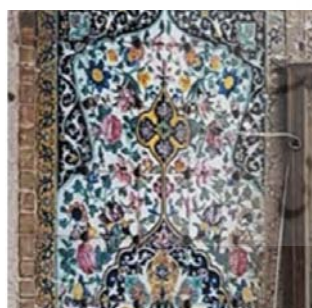
تصویر ۳۰. پنجره آینه‌کاری شده، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت، مأخذ: <https://www.vam.ac.uk/articles/mirror>



تصویر ۲۹. قالی محرابی، مأخذ: <https://www.vinterior.co/textiles/rugs/persian-rugs/antique-kerman-ravar-kirman-lavar-tree-of-life-rug-mid-19th-century-211cm-x-148cm-sku71825883>



تصویر ۲۸. چادر خیمه سلطنتی محمدشاه قاجار، موزه کلیولند، مأخذ: <https://www.clevelandart.org/sites/default/files/styles/banner/public/banners>



تصویر ۳۳. کاشی‌کاری حمام ابراهیم‌خان، مأخذ: <https://archilearn.net/blog>



تصویر ۳۲. کاشی‌کاری مسجد آقابزرگ کاشان، مأخذ: <https://fa.tripyar.com/iran>



۳۱. سنگ قبری از گورستان دارالسلام، مأخذ: <https://www.imna.ir/photo/552426>

کریم‌خان انداخته شد» (سامی، ۱۳۳۷: ۱۹۸). بالین‌حال مطالب گردآوری شده، از نظر هنری سنگ مزار شاه داعی الی الله (تصویر ۲۱) را توصیف و تحلیل نکرده‌اند.

سنگ مزار محمد رحیم‌خان زند
سنگ قبر محمد رحیم‌خان (تصویر ۲۲)، فرزند کریم‌خان زند،

هنوز سالم و باقی است از طرف کریم‌خان زند بر روی قبر آن دو انداخته شد» (بهریزی، ۱۳۵۴: ۱۵۲-۱۵۱). علی سامی اشاره‌ای کوتاه به طرح و نقش سنگ‌قبر دارد: «قبر او در جنوب شرقی شیراز کنار دارالسلام است و در طرف خلوت در یک اتاقی مزار او و فرزندش سیدقاسم قرار گرفته... سنگ بزرگ خوش‌نقش و طرح روی او و فرزندش توسط

متکی بر شاخص ارزیابی طرح «محرابی زندیه»، اشیاء را مورد مطالعه قرار دهد و طرح یادشده را به عنوان شناسه‌ای در تخمین انتساب اثر به عصر زندیه یا ابتدای قاجار معرفی کند.

در چوبی موزه قزوین

در میان اشیاء محفوظ در موزه شهر قزوین، دری چوبی وجود دارد (تصویر ۲۳). قدمت این در به دقت مشخص نشده، اما در شناسنامه اثر موجود در اسناد موزه یادشده، سده دوازدهم یا سیزدهم هجری ثبت شده است. نویسندگان کتاب «صنایع دستی استان قزوین» درهای چوبی موزه شهر را تنها در طبقه نقاشی روی چوب گنجانده‌اند و شرح مبسوطی یافت نشد: «به نظر می‌رسد نقاشی روی چوب از زمان زندیه و نفوذ تدریجی هنر اروپایی در هنر ایرانی، رواج پیدا کرده باشد. بر اساس شواهد تاریخی، سابقه این هنر در قزوین به دوره صفویه و قاجاریه می‌رسد. نمونه‌های این هنر را می‌توان در حسینیه آمینی‌های قزوین که مربوط دوره قاجاریه است و نیز درهایی چوبی که در موزه شهر قزوین نگهداری می‌شود، مشاهده نمود» (آقاسیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۳-۲۰۲). «قاب محرابی» بر دو لنگه در (تصویر ۲۳ الف و ب) مشاهده می‌شود. بازشناخت «طرح محرابی» به مانند شناسه دیداری عصر زندیه در انتساب شیء مورد مطالعه به نیمه دوم سده دوازدهم هجری کمک می‌کند.

قطعه‌ای پارچه رشتی دوزی شده

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن قطعه‌ای پارچه قلاب دوزی (رشتی دوزی) شده نگهداری می‌شود (تصویر ۲۴ الف و ب).

توضیحات اثر در شناسنامه مندرج در موزه ویکتوریا و آلبرت به قدمت دقیق اثر، نپرداخته و به طور تقریبی درج شده است^۵؛ اما با توجه به دارا بودن «قاب بدیع محرابی زندیه» به نظر می‌رسد متعلق به اواخر دوره زندیه و یا اوایل عصر قاجار باشد. قطعه پارچه رشتی دوزی شده دیگری نیز در تارنمای موزه ویکتوریا و آلبرت وجود دارد (تصویر ۲۴ الف و ب). منسوج مورد مطالعه دارای طرح «قاب محرابی زندیه» بوده و با وجود این که کارشناسان موزه ویکتوریا و آلبرت قدمت آن را در بازه‌ای صدساله (۱۸۰۰-۱۸۹۹ میلادی) ثبت کرده‌اند، مقاله پیش رو با هدف معرفی شناسه دیداری «قاب محرابی» رایج در عصر زندیه و اهمیت آن در شکل یابی و محاسبه تقریبی قدمت آثار، منسوجات موجود در تصویر ۲۵ الف و ب را به سبب دارا بودن طرح «قاب محرابی» متعلق به اواخر عصر زندیه یا ابتدای دوره قاجار می‌داند.

تداوم سنت تصویری زندیه بر میراث پسین

آثار هنری به جامانده از اعصار حکومت آغامحمدخان قاجار، فتحعلی شاه و حتی محمدشاه بیانگر استمرار برخی

نیز در مجموعه سنگ‌های قبور این مجموعه، به دلیل دارا بودن «طرح قاب محرابی زندیه» مورد مطالعه قرار گرفت. غفاری کاشانی، مستوفی دربار کریمخان ذیل وقایع سال ۱۱۹۱ هجری به مرگ محمد رحیمخان زند اشاره می‌کند: «یعنی شاهزاده فرخ لقای نوجوان و برنای ماه سیمای روشن روان محمدرحیمخان فرزند وسطی حضرت پادشاه گیتی سنان که هیجده ساله و در میان جوانان بدری در ویت هاله بود، از احتراق سموم جان سوز حادثه بیماری رو به پژمردگی نهاد» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۶۱). «مجمل التواریخ» محمدرحیمخان را این گونه معرفی می‌کند: «محمدرحیمخان مادرش اصفهانی تولدش در سال ۱۱۷۳ هـ و وفاتش در سال ۱۱۹۱ هـ مدفنش در تکیه خارج صحن شاه امیرعلی حمزه است» (گلستانه، ۱۳۹۶: ۴۵۹). مؤلف «فراسنامه ناصری» در این رابطه نوشته: «و باید دانست که نواب وکیل را چهار نفر پسر بود: محمدرحیمخان که در سال ۱۱۹۰ در سن هیجده سالگی وفات یافت...» (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۶۱۸).

اطلاعات فرانکلین از محمدرحیمخان با سایر مکتوبات مربوطه در مورد سن او هنگام فوت تفاوت دارد: «در فاصله یک چهارم مایلی شمال دروازه شاه میرزا حمزه، بنای بزرگ هشت ضلعی وجود دارد که آرامگاه عبدالرحیمخان [محمدرحیمخان]، پسر دوم^۱ وکیل کریمخان است. عبدالرحیم در سن دوازده سالگی^۲ فوت شد. این مقبره هشت پا طول و سه پا عرض دارد که در وسط آن یک سنگ قبر از مرمر تبریز که به طرز ماهرانه‌ای صیقل داده شده است مشاهده می‌گردد که روی آن را پارچه زربفتی پوشانده است» (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۳۳). درحالی که منابع دیگر در عمر ۱۸ ساله او و برخی در فرزند ارشد بودنش^۳ وحدت رویه دارند: «در یکی از اتاق‌های آن ابقعه شاه میرعلی بن حمزه^۴ قبری است که سنگ مرمر بزرگی روی آن نصب است و روی آن با گل و بته نقش شده است... این سنگ قبر (محمدرحیمخان) فرزند ارشد کریمخان زند است [است]... ولی سنگ قبر در جای خود باقی است و روی سنگ مرمر نفیس در وسط نقش و نگارها...» (بهریزی، ۱۳۵۴: ۱۵۵-۱۵۴). مؤلف «تاریخ بافت قدیمی شیراز» به مصالح ساختمان اشاره‌ای کوتاه دارد؛ ولی از طرح و نقش سخنی به میان نیامده است: «در سال ۱۱۹۱ هجری قمری رحیمخان که جوانی ۱۸ ساله بود وفات یافت. کریمخان برای آرامگاه او در ضلع جنوبی بقعه شاه میرعلی بن حمزه خارج از دروازه اصفهان تکیه‌ای از آجر و سنگ در نهایت استحکام بنا نهاد» (افسر، ۱۳۵۳: ۱۹۱). طرح «قاب محرابی» بر سنگ قبر جعفرخان زند^۴ نیز دیده می‌شود. در تصاویر ۱۹ تا ۲۲ سنگ‌های قبور و محل قرارگیری طرح «قاب محرابی» به طور منسجم آمده است.

در بخش پیشین، آثاری مرور و بررسی شد که به یقین به عصر زندیه منتسب بودند؛ اما این قسمت اهتمام دارد،

۱. برخی منابع محمد رحیمخان زند را فرزند ارشد کریمخان دانسته‌اند.
۲. بیشتر منابع سن محمدرحیمخان را هنگام فوت هجده ذکر کرده‌اند.
۳. نگارنده به متن گلشن مراد در مورد سن محمدرحیمخان و دومین فرزند بودنش، اطمینان بیشتری دارد، چراکه ابوالحسن غفاری کاشانی خود مستوفی دربار کریمخان بوده و کتاب از منابع دست‌اول زندیه است.
۴. جعفرخان پسر صادق خان زند، برادرزاده کریمخان زند و پدر



وابستگی بافته‌ها به دوره یادشده حائز اهمیت است. جستجو در میان تصاویر بافته‌ها منجر به پیدا شدن شکل دوتخته قالی (تصویر ۲۵ الف و ب) شد. نمونه‌های یافت شده، هر دو دارای طرح محرابی شبیه به «قاب محرابی» زندیه بوده و به احتمال قوی به نیمه اول قاجاریه تعلق دارند.

بافته داری نمایان شده در تصویر، بافت راور کرمان است که مزین به طرح «محراب زندیه» است و حتی ترکیب بندی درخت و گل‌ها در فضای محاط شده قاب به کاشی کاری مسجد وکیل شباهت دارد (تصاویر ۱ الف و ۱۰ ب).

جمع بندی

گزیده مطالعات انجام شده پیرامون «قاب محرابی زندیه» نشان می‌دهد که نگاره یادشده حاصل نوآوری هنرمندان عصر کریم خان زند معرفی است. «قاب محرابی زندیه» در آثار و بناهای گوناگون دوره زندیه تکرار شده و این تکرار شونده‌ی طرح را به نشان هویتی یا شناسه دیداری عصر زند بدل کرده است (جدول ۱) که موجب انسجام و سهولت شکل گیری هنر آن زمان می‌شود؛ اما یکنواختی و هماهنگی ناشی از تکرار قاب محرابی، به دلیل تنوع به عنوان یکی از عوامل سازمان دهی بصری ملال آور نیست. «تنوع» اشاره شده در چند محور قابل مطالعه است:

تنوع در ابعاد: انواع مختلفی از قاب‌های مطالعه شده از نظر اندازه وجود دارند. برخی قاب‌ها ارتفاعی بلندتر و پهنایی کم داشته و برخی در میانه ساقه عریض شده و ارتفاعی متوسط دارند. در بناهایی مثل هفت تنان، مسجد وکیل و مدرسه آقابابا خان قاب‌هایی با ابعاد متنوع مشاهده می‌شود (جدول ۱).

تنوع در تزیینات: تزیینات فضای محاط شده در قاب‌ها نیز قابل ذکر است. نوشتار حاضر به تزیینات داخلی قاب‌ها نمی‌پردازد؛ اما مرور کلی نگاره‌ها نشان دهنده تنوع در نقوش محاط شده در این قاب‌ها است.

تنوع در بستر به کارگیری نگاره: یکی از اصول سازماندهی بصری، تنوع در بستر به کارگیری نگاره است. «قاب محرابی زندیه» در بناها و آثار گوناگون از منظر کاربری مشاهده می‌شود. بناهای مذهبی و عمومی (مسجد وکیل و تکیه هفت تنان)، کاخ و خصوصی (کلاهدرنگی و عمارت عبدالرزاق کاشی)، آموزشی (مدرسه آقا بابا خان)، نقاشی روی چوب (در محفوظ موزه شهر قزوین) و اشیاء سنگی (سنگ قبور حافظ، شاه شجاع، شاه داعی الی الله و محمدرحیم خان و جعفرخان زند) دارای شکل مورد مطالعه هستند. تنوع قاب از منظر قرینه سازی در برخی قسمت‌های مسجد، عمارت هفت تنان و مدرسه آقا بابا خان قرینه سازی این گونه روی داده که قاب‌ها در دو سوی طاق یا قابی بزرگتر جانمایی شده‌اند؛ اما در رُخ‌بام مسجد جامع وکیل (سلطانی) قاب‌ها از قاعده به یکدیگر پیوند خورده و شکلی

سنت‌های تصویری از جمله «قاب بدیع محرابی زندیه» بوده و تصاویر ۲۶ تا ۳۳ نمونه‌ای از شناسه دیداری طرح «محرابی» عصر زندیه بر پیکر آثار هنری نیمه نخست سده ۱۳ هجری به شمار می‌رود.

برگرفتنی طرح «محرابی» در میراث مادی پس از زندیه (تصاویر ۲۶ تا ۳۳) خاصه آثار اعصار حکومت آغامحمدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه مشهود است. سنت تصویری زندیه در ادوار مورد اشاره به کندی متحول شده و روند تغییرات تدریجی و آرام بوده است. به طور مثال مجموعه ابراهیم خان ظهیرالدوله در کرمان، به ویژه تزئینات کاشی حمام (تصویر ۳۳) سندی تصویری تأثیر از هنر عصر زندیه است. در ارتباط با حمام ابراهیم خان کرمان، اگرچه منابع بسیاری ساخت مجموعه را به زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار مربوط دانسته‌اند؛ اما نویسنده «ایران و کریم خان زند» بدین سو نوشته است: «به دستور وکیل همچنین در کرمان حمام ابراهیم خان ساخته شد که در داخل آن نقاشی‌های زیبایی از جمله تصویر رستم دیده می‌شد» (رجائی، ۱۳۸۷: ۲۹۹). به واقع سبک هنر زندیه در دوره حکومت فتحعلی شاه نیز دوام دارد.

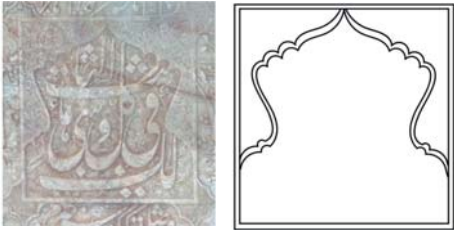
با وجود تحول در مبانی فکری و زیرساختی هنر در دوره محمدشاه قاجار، آثار به جامانده از زمان پادشاه یادشده مانند خرگاه یا خیمه سلطنتی و مسجد آقابزرگ کاشان شواهدی دیداری از تداوم طرح «محرابی زندیه» هستند. خیمه سلطنتی یا خرگاه به جامانده از عصر محمدشاه قاجار به خوبی نمایانگر شاخصه‌های هنر زندیه از جمله طرح «محرابی» است (تصویر ۳۴ الف و ب).

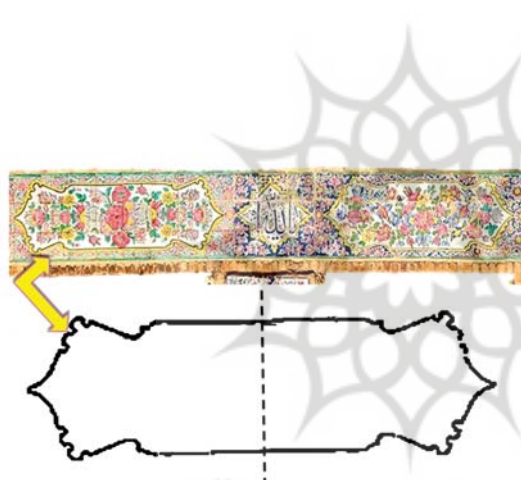
ویلیام فرانکلین چادر وزیر جعفرخان زند را وصف کرده که شبیه به تصویر ۳۲ الف و ب (چادر محمدشاه) است: «چادر میرزا احمد حسین وزیر بسیار زیبا و مستطیل شکل بود که یک طرف آن باز بود. پوشش داخلی چادر از پارچه چیت بسیار لطیف و دیواره‌ها دارای نقوش عجیبی بود. حدود سی یارد دور زدیم تا از جهت سرپرده‌ای که به رنگ قرمز بود...» (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۵۸-۵۷). توصیف فرانکلین در رابطه با نقوش دیواره‌ها و رنگ قرمز تکرار دویژگی سرپرده محمدشاه است.

قالی

علاوه بر تزیینات معماری و نقاشی روی چوب، بافته‌ها هم از طرح «قاب محرابی زندیه» متأثر شده‌اند. ذکر این نکته اهمیت دارد که یافتن شناسه‌های دیداری ادوار گوناگون تاریخی از جمله «قاب محرابی زندیه» در شکل یابی آثار بی شناسنامه مانند برخی بافته‌ها در مطالعات تاریخ و سبک‌شناسی فرش کمک می‌کند. باینکه منابع تاریخ هنر زندیه اندک بوده و پژوهش‌های مرتبط همواره دشوار است؛ اما وضعیت فراوانی مکتوبات در رابطه با معماری و تزیینات وابسته به آن و حتی صنایع مستظرفه عصر زندیه با فقدان اسناد فرش قابل قیاس نیست. از این نظر یافتن نشان‌های دیداری عصر زندیه در تعیین وابستگی یا عدم

جدول ۱. قاب محرابی به مثابه نشان هویتی و شناسه‌ای دیداری در هنر زندیه، مأخذ: نگارنده.

ردیف	نام اثر	تصویر خطی	توضیحات
۱	موزه پارس		کاشی‌کاری نمای خارجی
۲	هفت‌تنان		کاشی‌کاری تالار ستوندار
۳	مسجد وکیل		محراب، ایوان شمالی و رخ‌بام
۴	عمارت عبدالرزاق کاشی		تزئینات نما
۵	مدرسه وکیل (آقاباباخان)		کاشی‌کاری نما و پیرامون پنجره مشبک
۶	سنگ مزار حافظ		قسمت فوقانی سنگ
۷	در چوبی		میانه در



تصویر ۳۶. قرینه‌سازی طرح «محرابی» زندیه در رُخ‌بام مسجد وکیل شیراز، مأخذ: نگارنده



تصویر ۳۴. الف و ب: خیمه سلطنتی محمدشاه قاجار، محفوظ در موزه کلیولند، مأخذ:

<https://www.clevelandart.org/sites/default/files/styles/banner/public/banners>



تصویر ۳۵. الف: (سمت راست) قالی دارای طرحی شبیه به «محراب زندیه»، بافت راور کرمان، مأخذ: <https://www.vinterior.co/textiles/rugs/persian-rugs/antique-kerman-ravar-kirman-lavar-tree-of-life-rug-mid-19th-century-211cm-x-148cm-sku71825883/> (Access Date: 2023/08/09)

تصویر ۳۵. ب: (سمت چپ) قالی دارای طرحی شبیه به «محراب زندیه»، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، بافت خراسان، مأخذ: <https://www.vam.ac.uk/articles/RUG>

جدید ایجاد شده است (تصویر ۳۶).
جدول ۱، طرح خطی و محل قرارگیری طرح «محرابی» را
در ابنیه و آثار زندیه نشان می‌دهد.
طرح محرابی در آثار عصر زندیه، به‌عنوان یکی از انواع
قوس کلیل در هنر ایران، ساختار مشابه دارد، اما در
قاب بیرونی و ترکیب‌بندی درونی، تفاوت‌های معناداری
دیده می‌شود. تناسبات قاب بیرونی و شکل آن نیز تابع
ترکیب‌بندی درونی است.

نتیجه

دستاورد پژوهش از منظر کمی نشان می‌دهد طرح «محرابی» زندیه در مسجد وکیل نسبت به سایر
ابنیه و آثار هنری دوره یادشده، از فراوانی بیشتری برخوردار است. مطالعه سیر تحول طرح «محرابی
زندیه»، از منظر گاه‌شماری (کرونولوژیک)، گویای تغییرات شکلی و رونق نگاره در نیمه دوم سده
دوازدهم هجری و تداوم به‌کارگیری طرح تا نیمه نخست سده سیزدهم هجری است. یافته دیگر این
تحقیق نشان می‌دهد اگرچه طرح مورد مطالعه در این نوشتار حاوی مفاهیم معنوی است؛ اما در عصر
زندیه از منظر کاربرد، دچار جایگشت شده و در ابنیه و آثار غیرمذهبی هم تجلی دارد. این طرح در
آثاری چون مسجد وکیل (مذهبی)، کلاه‌فرنگی و عمارت عبدالرزاق خان (کاخ)، مدرسه وکیل (آموزشی)
و سنگ قبور و تزیین اشیاء به‌کاررفته است. هنرمندان عصر زندیه با نوآوری در طراحی و ترکیب
شکلی نوین از قوس محرابی، سپس تکرار و هماهنگی در به‌کارگیری طرح و در نهایت بهره‌مندی از
اصل تنوع، طرح «محرابی» را به یکی از عناصر هویتی زندیه بدل کرده‌اند؛ یعنی علاوه بر تغییرات در
شکل قاب طرح محرابی، تکرار شونده‌گی و تنوع به‌کارگیری این شکل در انواع مختلف هنرها و بناهای
گوناگون موجب شده از شکلی معنوی به نشان هویتی زندیه و جزئی از فرهنگ تصویری تبدیل شود.
به عبارت دیگر، طرح «محرابی» یکی از شناسه‌های دیداری هنر عصر زندیه است. بنابراین تنوع در
اندازه، نقش‌پردازی و تزیین فضای محاط در قاب‌ها، تنوع در قرینه‌سازی طرح و در بستر ظهور آن،
تکرار شونده‌گی طرح را از ملال‌آوری و یکنواختی دور کرده است. نوشتار حاضر در پی تحقیق و تجسس
پیرامون فرضیه پژوهش اهتمام ورزیده و در نهایت، یقین حاصل شد که طرح «محرابی» به‌مثابه یکی از
شناسه‌های دیداری - هویتی هنر زندیه است. نتیجه این مقاله در شکلیابی آثار بی‌نشان و بدون امضاء
با طرح «قاب محرابی» به‌جامانده از نیمه دوم سده دوازدهم و بخش نخست سده سیزدهم هجری کمک
کرده و به‌عنوان سند مصوری از دوره زندیه شناخته می‌شود. بنابراین، طرح «محرابی» عصر زندیه،
فراتر از لایه آشکار و ظاهری، به‌طور نهان و ضمنی کارکرد ویژه فرهنگی داشته و شناسه‌ای هویتی
به یادگار مانده از عصر زندیه به شمار می‌آید. در نهایت، طرح «محرابی زندیه» به گواه تزیینات عمارت
عبدالرزاق خان کاشان و مسجد آقابرگ کاشان، فراتر از پایتخت زندیان و برتر از شکل تزیینی به‌مانند
نشانی هویتی و شناسه‌ای دیداری از هنر زندیه بر پیکره آثار نیمه دوم سده دوازدهم و پاره نخست
سده سیزدهم هجری معنا یافته است.

منابع و مأخذ

افسر، کرامت‌اله. (۱۳۵۳). تاریخ بافت قدیمی شیراز، چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
اوری، پیترو، هامبلی، گاوین و ملویل، چارلز. (۱۳۸۹). تاریخ ایران کمبریج (جلد هفتم) قسمت اول: از نادرشاه تا
زندیه، ترجمه تیمور قادری، چاپ دوم، تهران: مهتاب.
آقاسیان، شکوفا و همکاران. (۱۳۹۱). صنایع‌دستی استان قزوین، چاپ اول، تهران: سیمای دانش.
بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۲). هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ اول، تهران: سروش.
بهروزی، علینقی. (۱۳۵۴). بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، چاپ دوم، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر



استان فارس.

جهان‌بخش، هانا و شیخی‌نارانی، هانیه. (۱۳۹۵). پژوهشی پیرامون گل و مرغ و کاربرد آن در هنرهای سنتی ایران (دوران زندیه و قاجاریه)، تاریخ نو، ۷(۱۶)، ۱۶۲-۱۲۹.

حسینی شیرازی، محمد نصیر (فرصت‌الدوله). (۱۳۶۲). آثار عجم، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، تهران: فرهنگسرا.

حسینی فسایی، میرزا حسن. (۱۳۸۸). فارسنامه ناصری (جلد دوم)، تصحیح و تحشیه: منصور رستگار فسایی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

داعی‌الاسلام؛ محمدعلی. (۱۳۶۴). فرهنگ نظام (جلد پنجم: حرف میم تا آخر حرف یا)، چاپ دوم، تهران: دانش. دیولافوا، ژان. (۱۳۸۵). سفرنامه دیولافوا (ایران، کلد و شوش)، ترجمه علی محمد فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه تهران.

رجائی، غلامعلی. (۱۳۸۷). ایران و کریم‌خان زند، چاپ اول، تهران: نیکتاب.

رجبی، پرویز. (۱۳۸۹). کریم‌خان زند و زمان او، چاپ اول، تهران: آمه.

زمرشیدی، حسین. (۱۴۰۰). سیر تحول کاشی‌کاری در آثار معماری دوره صفویه تا امروز، مطالعات معماری ایران، ۱۱(۲)، ۷۸-۶۵.

سامی، علی. (۱۳۳۷). شیراز شهر سعدی و حافظ، شهر گل‌وبلبل، چاپ اول، شیراز: چاپ موسوی.

شیخی، علیرضا و دهقان منشادی، مینا. (۱۴۰۱). آرایه‌های تزئینی معماری خانه‌های «محتشم» و «صالحی» شیراز؛ یادگارهایی از دوران زند و قاجار، پیکره، ۱۱(۳۰)، ۲۸-۱.

صباحی بیدگلی، حاجی سلیمان. (۱۳۹۴). دیوان حاجی سلیمان صباحی بیدگلی، به تصحیح: عبدالله مسعودی آرانی، چاپ دوم، تهران: اسوه.

عقابی، محمد مهدی. (۱۳۷۶). دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی؛ بناهای آرامگاهی، چاپ اول، تهران: حوزه هنری.

غفاری کاشانی، ابوالحسن. (۱۳۶۹). گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران: زرین. فرانکلین، ویلیام. (۱۳۵۸). مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۸۶ میلادی، ترجمه: محسن جاویدان، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

فریه، رونالد. (۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، چاپ اول، تهران: فرزانه روز.

گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین. (۱۳۹۶). مجمل التواریخ، به سعی و اهتمام: محمدتقی مدرس رضوی، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.

میرشمسی، فرشته، میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق و زارع خلیلی، فتح‌الله. (۱۳۹۶). تنوع نقوش گیاهی در نقاشی دیواری عصر زندیه در شیراز، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۲(۱)، ۵۲-۴۳.

نراقی، حسن. (۱۳۴۵). تاریخ اجتماعی کاشان، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

نصر، طاهره. (۱۳۸۷). جستاری در شهرسازی و معماری زندیه، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.

نوری شادمهانی، رضا. (۱۴۰۰). محراب‌بری در نگاره‌های تیموری، مطالعات معماری ایران، ۸(۱۵)، ۱۳۳-۱۴۲.

نیبور، کارستن. (۱۳۹۰). سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه پرویز رجبی، چاپ اول، تهران: انتشارات ایران‌شناسی.

The Recessed Arched Mihrab Design: An Identity Marker in the Formation of Art in the Zand Era

Samaneh Kakavand, Associate Professor, Department of Carpet Faculty of Applied Arts University of Art

Received: 2023/08/29 Accepted: 2023/12/06



Each King in their respective reigns attempted to shape visual culture according to their intellectual and ideological foundations. In some periods, these changes were explicit and evident, while in others, they were implicit and gradual. The Zand era also possesses distinctive artistic characteristics, including a particular type of Mihrab design. In other words, one of the identifying components of Zand-era visual culture is a type of «Mihrab» design. The Zand Mihrab design exhibits unique visual elements that serve as an iconic representation of the visual culture of that period, along with other visual components, forming the artistic characteristics of the era. The art of the Zand era is full of innovative designs, among which the repetition of a type of frame similar to the types of altars is thought-provoking. Introducing the mentioned frame as an identity identifier and searching for its frequency and how it is manifested in the Zand heritage is the concern of this article. The design of a mihrab with a corrugation, which is often seen in the art of the Zand, is a combination of two crescent and pointed arches, which has brought the upper part, especially the crown of the arch, to the fore in a new form. The mentioned design is an innovative frame in the Zand era and has a hybrid form that is inspired by two crescent and pointed arches in the crown part. The discovery of such distinctive markers necessitates research in this field, as the lack of attention to the study framework may result in misattributing artworks to the Zand era or the early years of the Qajar period without proper identification. The adoption of Mihrab designs imprinted on dateless artifacts and handicrafts of the Zand era will serve as an identity marker of that period. While motifs inspired by arches and muqarnas are prominent in Islamic art, the present study argues that the «Mihrab» design discussed here, is a distinguished visual characteristic of Zand-era art. **Research Objective:** The primary objective is to introduce, classify, and study the form of the «Mihrab» frame in Zand-era artworks to define one of its visual elements and cultural markers. The secondary objective is to establish the «Zand Mihrab» as an identity marker. **Research Questions:** How can the unique work of the «Zand Frame» be explained as an identity marker in artworks from the second half of the 12th century and the first half of the 13th century AH? How is the identity marker of the «Zand motif» interpreted in terms of innovation in the design of the Mihrab? In terms of the hypothesis it is assumed that the «Mihrab» design is an identity marker of the art in the Zand era. **Research Methodology:** This research is primarily theoretical, as it aims to explore



Negareh

the visual phenomenon known as the «Zand Mihrab» design and to elucidate its characteristics and qualities. The research employs a descriptive-analytical approach, utilizing library research, document analysis, virtual observations, and field visits to collect information and concepts. Data was gathered through written texts and images, focusing on 19 samples of visual arts from the Zand period, including tiles of Vakil mosque, the pavilion, the Haft-Tanan mansion, as well as objects and artifacts such as carpets, tombstones, a wooden door located in the Qazvin Museum, and a fabric piece containing a «Mihrab» frame. **Results:** The quantitative findings of this research indicate a prevalence of the «Mihrab» design in the Vakil mosque compared to other architectural structures and artistic works of the mentioned period. The study of the chronological evolution of the «Zand Mihrab» design demonstrates its invention and flourishing in the second half of the 12th century AH and persisted during the first half of the 13th century AH. Another significant finding of this research is that, although the studied design carries spiritual meanings, it has been transformed in usage during the Zand period and manifested in non-religious architectural structures and artifacts. The «Mihrab» design is found in works such as the Vakil mosque (religious), the pavilion, and the Abdul Razzaq Khan mansion (palace), as well as in Vakil School (educational) and the decoration of objects and tombstones. The Zand-era artists, through innovation in the design and modern visual composition of the Mihrab arch by iterating and harmonizing the application of the motif, and ultimately the utilization of the principle of diversity, transformed the «Mihrab» design into an identity element of the Zand period. Thus, in addition to its original invention, the repetition and diverse application of this form in various arts and architectures have turned the spiritual figure of Mihrab design into a symbol of Zand's identity and an integral part of the visual culture.

Keywords: Mihrab Design, Identity Marker, Shiraz, Zand Period, Visual Arts

References:

- Afsar, K.A. 1974, History of Shiraz Old City, Tehran: Anjoman Asar-e-Melli.
- Aghasian, S et al. (2011). Handicrafts of Qazvin province, first edition, Tehran: Simai Danesh.
- Avery, P, Hambly, G & Melville, C. (2009). The Cambridge History of Iran, Volume 7: From Nadir Shah to Zandieh. Translated by Teimour Ghaderi, second edition, Tehran: Mahtab.
- Behroozi, A. (1970). Bana-ha-ye Tarikhi va Athar-e Honari-ye Jolge-ye Shiraz [Historical monuments and works of art of Shiraz plain]. Shiraz: Edare-ye Kol-e farhang va Honar-e Ostan-e Fars.
- Burckhardt, T. (1983). Art of Islam: Language and Meaning, Translated by Masoud Rajabnia, first edition, Tehran: Soroush.
- Dai-ul-Islam, Mohammad Ali. (1985). Farhang Nizam (5rd volume: Mim letter to the end of Ya letter), second edition, Tehran: Danesh.
- Dieulafoy, Jane. (2006). Iran, Kaldeh va Shush [La Perse, la Chaldée et la Susiane], 7th edition, Translated by Ali Mohammad Farrahvashi, Tehran: Entasharat-e Daneshgah-e Tehran.
- Ferrir, R. (1995). Arts of Iran, translated by Parviz Marzban, first edition, Tehran: Farzan-e Rooz.
- Franklin, W. (1979). Observations of a trip from Bengal to Iran in the years 1786-1787 AD, translated by: Mohsen Javidan, first edition, Tehran: University of Tehran.
- Ghafari Kashani, A. H. (1990). Golshan Murad, with the efforts of Gholamreza Tabatabai Majd, Tehran: Zarin.
- Golestaneh, A.H. B. M. A. (2016). MOJMALAL-TAWĀRI, with the efforts of Mohammad Taghi Modares Razavi, sixth edition, Tehran: University of Tehran.
- Hosseini Fasaee, Haj Mirza Hassan. (2018). Farsname Naseri (Volume II), 4th edition, Tehran: Amir Kabir.
- Hosseini Shirazi, M (Forsat-od-Dowleh). (1983). Asar-e Ajam, edited by Ali Dehbashi, first edition, Tehran: Farhangsara.



Negareh

- Jahanbakhsh, H & Sheikh Narani, H. (2016). Research on the Role of Flowers and Birds and their Application in Iranian Traditional Arts (Zandieh and Qajar Period), *Modern History Quarterly*, No. 16, pp. 129-162.
- Mirshamsi, F., Mirzaabolghasemi, M. S., & Zarekhalili, F. (2017). Diversity of Plant Motives in Wall-Paintings at the Time of the Zand in Shiraz. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 22(1), 43-52. doi: 10.22059/jfava.2017.61009
- Naraghi, H. (1965). *Social History of Kashan*, first edition, Tehran: Institute of Social Studies and Research.
- Nasr, T. (2008). *Urbanism and Architecture in the Zand Period*, Shiraz: Navid Shiraz Publication.
- Neibuhr, C. (2011). *Travels Through Arabia and Other Countries in the East*, translated by Parviz Rajabi, Tehran: Iranology Publications.
- Nouri Shadmahani, R. (2019). Mehrabbori (altar shape plaster cutting) in Timurid miniatures. *Journal of Iranian Architectural Studies*, 8(15), 133-142. doi:10.22052/1.15.133.
- Oqabi, M. M. (1997). *An Encyclopaedia of The Iranian Historical Monuments in the Islamic Era; Mausolean Monuments*, first edition, Tehran: Hozeh Honari.
- Rajabi, Parviz. (2010). *Karim-Khan Zand and his era*, Tehran: Ameh.
- Rajaei, G. (2007). *Iran and Karim Khan Zand*, first edition, Tehran: Niktab
- Sabahi Bidgoli, H. S. (2014). *Diwan Haji Suleiman Sabahi Bidgoli*, edited by: Abdullah Masoudi Arani, second edition, Tehran: osveh.
- Sāmi, A. (1958). *Širāz: šahr-e Sa di o āfe, šahr-e gol o bolbol*, first edition, Shiraz: Mousavi Press.
- Sheikhi, A., & Dehqan Menshadi, M. (2023). Architectural Decorative Arrays of «Mohtasham» and «Salehi» Houses in Shiraz; Relics from the Zand and Qajar Eras. *Paykareh*, 11(30), 1-28. doi: 10.22055/pyk.2022.17866
- Zomarshidi, H. (2022). Tile-Workâs Evolution Transition in Architectural Works. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 1(2), 65-78.
- URL 1: <https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/> (Access Date:2023/08/12).
- URL 2: <https://www.destinationiran.com/fa/> (Access Date: 2023/08/13)
- URL3. <https://itto.org/iran/itemgallery/pars-museum-shiraz-baghenazar-kolah-farangi/> (Access Date: 2023/08/13)
- URL 4. <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/157595/> (Access Date: 2023/08/13)
- URL 5. <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/157598/> (Access Date: 2023/08/13)
- URL 6. <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/archives/image/55267/> (Access Date: 2023/08/13)
- URL 7. <https://www.engz.ir/Product/9471/> (Access Date:2023/08/15)
- URL 8. <https://www.hipersia.com/en/post/662/> (Access Date: 2023/08/09)
- URL 9. https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/e/e9/Vakil_Mosque_shiraz_iran_06.jpg/ (Access Date: 2023/08/09)
- URL 10. <https://www.yeganehtours.com/> (Access Date: 2023/08/21)
- URL 11. https://www.hipersia.com/en/mi_ax/Original/1397/09/1578.jpg/ (Access Date: 2023/08/09)
- URL 12. https://en.wikipedia.org/wiki/Vakil_Mosque#/media/File:Entr%C3%A9_masjed-e-vakil_shiraz.jpg/ (Access Date: 2023/08/09)
- URL 13. <https://itto.org/iran/attraction/agha-baba-khan-vakil-school-shiraz/> (Access Date: 2023/08/14)
- URL 14. <https://en.ima.ir/photo/83772956/> (Access Date: 2023/08/14)



Negareh

- URL 15. <http://malekmuseum.org/artifact/> (Access Date: 2023/08/21)
- URL 16. <https://kashanu.ac.ir/images/www/fa/news/editor/2018/1518680732-photo-.jpg/> (Access Date: 2023/08/18)
- URL 17. <https://media.mehrnews.com/d/2020/05/16/3/3453583.jpg/> (Access Date: 2023/08/18)
- URL 18. https://cdn.fararu.com/files/fa/news/1396/7/17/343096_784.jpg/ (Access Date: 2023/08/18)
- URL 19. <https://drouot.com/en/l/20006596-portrait-de-qazi-ahmad-ghaffar> (Access Date: 2023/10/23)
- URL 20. <https://amordadnews.com/wp-content/uploads/2020/06/shah-shoja.jpg/> (Access Date: 2023/08/17)
- URL 21. <http://Wikimapia.org/> (Access Date: 2023/08/14)
- URL 22. <https://www.entekhab.ir/fa/news/174012/> (Access Date: 2023/08/14)
- URL 23. <https://www.visitiran.ir/fa/attraction/> (Access Date: 2023/08/09)
- URL 24. <https://collections.vam.ac.uk/item/O152420/tent-panel-unknown/> (Access Date: 2023/08/08)
- URL 25. <https://collections.vam.ac.uk/item/O158613/hanging-unknown/> (Access Date: 2023/08/08)
- URL 26. <https://www.vam.ac.uk/articles/RUG/> (Access Date: 2023/08/10)
- URL 27. <https://www.vam.ac.uk/articles/khatam-table/> (Access Date: 2023/08/10)
- URL 28. <https://www.clevelandart.org/sites/default/files/styles/banner/public/banners/> (Access Date: 2023/08/09)
- URL 29. <https://www.vinterior.co/textiles/rugs/persian-rugs/antique-kerman-ravar-kirman-lavar-tree-of-life-rug-mid-19th-century-211cm-x-148cm-sku71825883/> (Access Date: 2023/08/09)
- URL 30. <https://www.vam.ac.uk/articles/mirror/> (Access Date: 2023/08/10)
- URL 31. <https://www.imna.ir/photo/552426/> (Access Date: 2023/08/09)
- URL 32. <https://fa.tripyar.com/iran/> (Access Date: 2023/08/20)
- URL 33. <https://archilearn.net/blog/> (Access Date: 2023/08/08)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی